

درباره وحدت

سازش کاری و خیانت بورژوازی لبرال نیست به انقلاب، خزلزل، ناپسگیری و توهانات خرد بورژوازی افشار میانی جامعه، فشار فزاینده و هیستریک ضد کمونیستی و انحمار طبانه بخشهای زیادی ازخرد- بورژوازی و مهندران همه ادا به بقای سلطه و حاکمیت امپریالیسم و جناح های وابسته به آن ازیکسو و وجود شرایط منحل و انقلابی جامعه، رشد سی- سابقه جنبش کارگری و در عین حال پاشین بسودن سلطه آگاهی کارگران، ضعف و شکت سیاسی و سازمانی نیروهای م.ل. و عدم ارتباط آنان با جنبش طبقه کارگر از سوی دیگر، مجموعا میتواند دلا شکل کافی و قانع کننده ای برای ضرورت هرچه بیشتر ایجاد حزب کمونیست ایران و در همین رابطه وحدت نیروهای مارکسیستی- لنینیستی بوده باشد.

بدون تردید، امروز کمتر کسی را میتوان یافت که روی این مسئله تاکید نداشته باشد و از همین روتصادفی نیست که تقریبا تمامی گروههای سیاسی وابسته به جنبش کمونیستی، بر ضرورت وحدت کمونیستها و ایجاد ستاد واحد پرولتاریا تاکید میکنند و بسیاری از آنها حتی گامهای نیز در این راه برداشته و بر میدارند.

اما روشن است که شامل این نیروها بسیاری و امر، تا زمانی که برتناه و نقشه ای جهت تحقق این امر در دست نباشد و تا زمانی که این برتناه و نقشه مشخص بر درک اصولی و مارکسیستی- لنینیستی از دیدگاه وحدت و پیرویه تحقق آن نباشد، ایمن شامل و این خواست، علیرغم خوب بودن و قابل تابیدبودن، در همان سطح شمولات و آرزوها باقی خواهد ماند و با در صورت پیشرفت های نسبی اولیه، بلافاصله به عقب نشینی و پسرقت های منجر خواهد گردید. نکته نه بنفع جنبش کمونیستی و حیثیت و اعتبار آن و نه بنفع جنبش توده ایست و در نهایت، آنچه که هرگز و مد البته بجز خود شمیرد، امر وحدت خواهد بود.

بنابراین آنچه را که باید در اینجا و منضم از سوی ما و چه از سوی دیگر نیروهای م.ل. تکیه شود، نه تاکید صرف بر روی ضرورت وحدت جنبش کمونیستی، بلکه اساسا دستیابی به آن دیدگاه و نقشه و برتناه ایست که بتواند بنحوی اولوی و به بهر مدترین شکلی، بر این ضرورت پاسخ ماعددهد. ما در ابتدا و در این شماره میگوئیم تنها دیدگاهها و نظرات مختلفی را که تاکنون از سوی برخی از گروهها و تشکلهای سیاسی م.ل. مطرح شده، مورد نقد و بررسی قرار داده و آنچه در شماره بعد دیدگاه و پلافرم خود مان را درباره وحدت جنبش کمونیستی ارائه مدهیم.

★ ★ ★

ایجاد حزب، وظیفه مرکزی و محوری کمونیستها را تشکیل میدهد. حزب به مثابه عالیترین سازمان و شکل سیاسی طبقه کارگر، در حقیقت بیان شکلاسی و حامل آئینز سوسیالیسم علمی با جنبش خودبخودی طبقه کارگر است که بوسیله نیروهای آگاه کمونیستی بدون طبقه حمل میشود.

در اینجا نیز جای تردید نیست که استحکام سیاسی- ایدئولوژیک هر سازمان و گروه کمونیستی، بطور اولی در جریان حرکت در پراشیک اجتماع موبالغی شرکت نقد مبارزه طبقه کارگر صورت میگردد و هرگونه مبارزه ایدئولوژیک نیز که میان نیروها و تشکلهای م.ل.، حول نقطه نظرات سیاسی- ایدئولوژیک و در خدمت وحدت سازمانی آنها جریان دارد، میبایست براساسترین نیازهای جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای، نظارت داشته باشد.

تشکیل حزب در پیرویه وحدت سیاسی- ایدئولوژیک و تشکلیاتی نیروهای م.ل. از یک سو و ارتباط سیاسی- تشکلیاتی و بسودن این نیروها با طبقه کارگر از سوی دیگر، امکان پذیر میشود. ایمن حزب باید اول بخش غلبی از نیروهای م.ل. را که ایدئولوژی و سیاست پرولتاریا را دارا هستند در سر گرفته و تا ناسا با این ایدئولوژی و سیاست پرولتاری و تشکلیات مستحکم، حداقل در میان بخشهای اساسی و مهم طبقه کارگر ریشه دوانده باشد.

از مجموعه احکام درست فوق به هیچ وجه نباید این نتیجه حاصل شود که وحدت نیروی کمونیستی،



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ بهار : ۱۵ ریال

- مبارزات و اعتصابات کارگری
- زند باد اول مه استالین
- درباره مسئله ملی (۳)
- از مطبوعات متعهد بشنیالی کنیم
- انقلاب ایران در برابر خلق قهرمان عمان
- مسئول است
- روزندگان سیاسی را گرامی بداریم
- فراخوان کنفرانس وحدت بمناسبت روز تقسیم فلسطین

تظاهرات اول ماه مه در شهرستانها

کارگران آبادانی پرپرچم خود نوشتند: سرمایه از خون و عرق کارگران درست شده است! آنها فریاد زدند: «امریکا، امریکا دشمن خلق مانی»

- - روز اول ماه مه روز اعلام جنگ کارملیه سرمایه (دانشجویان مبارز)
- - مستحکم باد پیوند تمامی نیروهای انقلابی با کارگران (دبیرستان فردوسی)
- - گرامی باد عاظمه اول مه خونین، سملیفات همه روزه کارگران جهان (دبیرستان مدیسه رضائی)
- - فصل العمال الا جانب و استعمال العمال و الموظفین الا برسان منعم (کارگران پرورزی) ترجمه : اخراج کارگران خارجی و استخدام کارگران و کارمندان ایرانی بجای آنها
- - گشتن کارخانه ها و پرورهای صنعتی و کشاوری نیمه تمام جهت انتقال بکار با سرمایه های ملی، توسط کارشناسان ایرانی
- - مید واقعی کارگران نابودی کامل سرمایه داران است.
- - دشمن کارگر سرمایه داران سنگر کارگردیدگا طبقه دروغه

روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و طرک کارگران پرورزی (فملی) آبادان و حومه با شکوه ویژه ای بر گذار شد. در این روز کارگران صبح به راهپیمائی پرداختند. در این راه پیمایش که بیش از ۵ هزار نفر از کارگران و آنها که به طبقه کارگر و آرمان او دلبنند حرکت داشتند. عصر همان روز نیز مراسم باشکوهی راچابت کارگران در محل سندیکی کارگران پرورزی برگزار شد. در این مراسم نیز حدود ۱۵ هزار نفر شرکت داشتند. در زیر گزارشی از این روز با شکوه می آوریم:

راهپیمائی کارگران پرورزی در مسافت ۵ کیلومتری در ۱۱ اردیبهشت از محل سندیکی کارگران پرورزی آغاز گردید. این راهپیمائی مورد استقبال بی نظیر مردم آاده و مبارز آبادان قرار گرفت. در این راهپیمائی دانش آموزان، دانشجویان، فرهنگیان و کارکنان شرکت نفت نیز شرکت داشتند.

نوشته پلاکاردها و شعارهای گوناگونی که در این راه پیمائی داده میشد، مبارت بسودند از:

تقسیم فلسطین:

فاجعه و نبرد

۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلقهای خاورمیانه روزی تلخ را یادآوری میکند. در چنین روزی به سال ۱۹۴۸ تقسیم فلسطین عملی شد و دولت تجارزگر، نژاد پرست و صهیونیست اسرائیل در ریان طوفانی از خشم و نفرت خلقهای باسیت به دشمنانشان، یونانی ازخون و آتش اعلام موجودیت نمود. توطئه امپریالیستهای انگلیسی برای تأسیس پایگاهی جنایتکارانه در قلب منطقه زرخیز و استراتژیک خاورمیانه که از اواخر قرن ۱۹ طرح ریزی شده و در سال ۱۹۱۷ بصورت وده " وزیر خارجه وقت انگلیس (بنام بالفور) مینی برایجاد یک وطن برای یهودیان صهیونیست تحقق یافته بود. پس از سالها فشار که بوسیله استعمارگران انگلیسی و همدستان مرتجع محلی آنها برای اخراج فلسطینی ها از سرزمین آنها " واجداد ایشان اعمال گشت، و پیس از کشتارهای بوسیله گروههای تروریست نظیرهاگانا (که سرگردگی آنرا مناحیم بیگین بعهده داشت) علیه مردم بی پناه فلسطین در روستاها و شهرها یاده شد، سرانجام در ۱۵ مه ۱۹۴۸، آن توطئه دیرین چون غدهای سرطانی در جسم و جان ملت های عرب و خاورمیانه سرآورد.

خلق ستمدیده فلسطین قربانی این جنایتکم نظیر شد و صد ها هزارتن از مردم آن آواره کشورهای همسایه شدند. همسایه های که خود زیر بار نفوذ ایسم و ارتجاع و سرپایه داران حریص، پختی همدستان واقعی امپریالیسم کمرشان خم شده بود و مهمان نوازیهایان از این " مهمانان " آواره بطور عمده ناشی از طمع دیرپه گیری از نیروی کار آرازان آنها بود.

از سال ۴۸، اردوگاههای آوارگان در اردن و لبنان و سوره بریانشد و سیل فراریان و سرکشگان فلسطینی به دنبال حدائق تأمین جانی و نان بخور نمیر، به همجسای دنیا، حتی به آمریکای لاتین سازمانز گشت. این شرایط مادی و فشارهای طاقت فرسای سیاسی واجتماعی نطفه های انفجار را در درون این خلق پدید آورد. بتدریج مقاومتها و عملیات خود بخودی و پراکنده شکل گرفت و در آغاز سال ۱۹۵۵ به شیوع مبارزه مسلحانه آزادی بخش انجامید. هم اکنون ۱۴ سال است که این خلق علیرغم تلاشهای سرکوب گرانه دشمن و سواستفاده های مکارانه " دوستان " میزبند و تضاد های طبقاتی جامعه فلسطینی که ویژگیهای خاص

خود را دارد، با تبلور با زتری که یافته میرود کسه در سازمانها و جریانات سیاسی رادیکال تر راه پیروزی راهبر چند ن شواره تأیید می آید.

مبارزه "ین خلق برای نیل به حقوق ملی و استقلال و برقراری دولت دموکراتیک فلسطین و درباره با ملت امیر - یالیسم و صهیونیسم و ارتجاع روزه روز شدت و وقت بیشتر یافته است.

فلسطینیها همواره شعل انقلاب را در این مطلقه حساس شعله برنگهداشتند و در این راه، در راه تحقق اهدا نشان از پشتیبانی توده های ستمدیده منطقه، پیوسته خلقهای قهرمان ایران، برخوردارزند. مواضع حمایتگرانه انقلاب ایران از مقاومت فلسطین، در رین اختار آریز بودن، تنها جزئی از وظیفه ایست که انقلاب ما در قبال خلق فلسطین انجام داده است. در این روز یکبار دیگر پیوند ناگسستنی خود را با انقلابیون فلسطینی تا آزادی کامل سرزمین فلسطین مورد تاکید قرار میدهم.

خشم مقدس خلق!

یکبار دیگر شعله های خشم مقدس خلق در آنگاه های انقلاب تجلی یافت و جاسوسان و جنایتکاران دیگری را در کام خود فروکشید. ریهگان و فریبگانی که تا دیروز به جیباول و غارت و خیانت به توده های زنجیده، خلق مسامشغول بودند و با سختی فرعون فرمان میراندند، چه نفرت انگیز و تهور آور در ریشگاه خلق به عجز و لایه در افتادند و برای ادامه زندگی تنگین خود به التماس و استغاثه دست یازیدند. چه کوردل و محفند اینان که می پندارند خلق به خون شهدا نشرا و رنج و مشقت سالیان دراز دوران اختناق را بهمین سادگی فراموش میکند و تسلیم تضرع و زاری این خائبن و جنایتکاران که دشمنان تار و عنق بخون عزیزانشان آغشته است، میشود. و چه کوردل ترواحق ترند اینها با این سفگان که در فرب و اسرائیل جنجال راه میاندازند و برای " حقوق بشر " اشک از دیدگان کیف خود فرو میزنند و برای " بشر های زا لومعتی چون القاتیبان، اظهار تاضر و تاسف میکنند. شاید که در آراه به خلسق دایر بر مردم ساختن خائنین بخود، خللی ایجاد شود و مدافعین و عاملین برای آنان باز پس ماند، تا از نافع استعمارگران آنها پاسداری کند.

اما زهی خیال باطل، خلق ماکرهمت به نابودی دشمنانش بسته است و در این راه هیچ نیروی اورا نفع نتواند شد.

درباره وحدت : طرح "اشلاف" بجای وحدت باعث اوازمشقات ، موکل کردن وحدت برید کردن پایه کارگری و یگانگی اکونومیستی است

موکل به یک مرحله کار سیاسی - تشکیلاتی در میان طبقه و با ملاحظه ارتباط ارگانیک با آن میشود. چرا که مفهوم وحدت نیروهای کمونیستی در این مقطع، نباید به معنای تشکیل حزب که غالبترین ارگانی سیاسی طبقه کارگر بشمار میرود در نظر گرفته شود، این وحدت همانطور که بعد اشاره خواهیم کرد، میتواند زمینهها و پایههای اصلی حزب کمونیست را به بهترین شکلی فراهم سازد.

برخی از گروههای سیاسی م.ل.، شرط وحدت نیروهای کمونیستی را بهم، داشتن ارتباط ارگانیک - تنگ (بمفهومنا تیرگاداری مستقل هرگروه بر روی مبارزات بخشی از طبقه کارگر و مقابلا تاثیر پذیری هرگروه از شرکت در این مبارزه و تفصیل یافت و ساختمان روشنگری آن) این گروهها با طبقه کارگر میدانند. گسروه " مبارزین آزادی طبقه کارگر" در یکی از مدارک خود تحت عنوان " انقلاب دموکراتیک و رهبری پرولتاریا " صفحه ۹۷ مینویسد :

"... این بدان معنی است که هنوز زمینه مبنی وحدت تشکیلاتی محافل مارکسیست - لنینیست در کردار (و نه فقط در گفتار) یعنی ارتباط با طبقه کارگر و زمینه ذهنی این وحدت سیاسی - ایدئولوژیک فراهم شده است."

دیدگاه فوق از آنجا که با مشروط ساختن وحدت گروههای م.ل. به تا مین ارتباط ارگانیک و تا زمان تحقق چنین شرطی، مدعی آنها را از یکدیگر مورد تأیید قرار داده و مانع از وحدت آنها میشود، دیدگاهی یکنواختی و فرقه گرایی است. تا نباشد این دیدگاه، از آنجهت که وحدت نیروهای م.ل. را اساسا نه در رابطه با وحدت سیاسی - ایدئولوژیک گروهها که هر یک به میزان قدرت و امکان محدود خود سعی در تا مین ارتباط سیاسی و تشکیلاتی با طبقه دارند، بلکه بطور عمده در ارتباط با داشتن پایه - های کارگری این گروهها می بیند، دیدگاهی اگو - سیتیستی است.

گروههای که پراین دیدگاه هستند، هر چند ضرورت مبارزه ایدئولوژیک را برای تحقق امر وحدت انکار نمی کنند، ولی بهر صورت بهای لازم و شایسته را به آن نمی دهند. برای آنها بیش از آنکه نقطه نظرات سیاسی و ایدئولوژیک این با آن گروه مطرح باشد داشتن پایههای کارگری (بگذریم که این پایهها تقریبا برای تمامی نیروهای م.ل. در شرایط کنونی تا حد بسیار زیادی ست و بی پایه است) مطرح است. تو گوئی صرفا وجود چنین پایههایی این گروهها را از هرگونه تحریف ایدئولوژیک غسل شصم خواهد داد و با ملاحظه آنها را پرولتریزه خواهد کرد.

این گروهها وقتی وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی را برای وحدت گروهها کافی نمی دانند و این وحدت را طبریم ست گیری عملی این گروهها (طبقا ما با گروههای که این سمت گیری را در نظر ندارند کاملا مرز بندی میکنند) وحدتی از بالا و یک سرهم بندی روشنگرانه تلقی میکنند، آیا این به - معنی آن نخواهد بود که این رفقا ایدئولوژی و سیا - ست را خاص روشنگران و در انحصار آنها دانسته و از بردن سیاست و ایدئولوژی پرولتری بر میان طبقه و در آمیختن آن با جنبش کارگری هراس دارند ؟

بدون شک رخنه میان کارگران و تا مین ارتباط سیاسی و تشکیلاتی با طبقه، وظیفه هر گروه و تشکل م.ل. مادی است، اما آنچه اهمیت دارد مفهون و محتوای فعالیت تبلیغی و ترویجی است که این گروهها بدان میپردازند. مهم اینست که ما حامل کدام ایدئولوژی و کدام سیاست، ایدئولوژی و سیاست " سوبال دموکراتیک " و یا ایدئولوژی و سیاست " اکونومیستی " هستیم. ایدئولوژی و سیاست " اگو - سیتیستی "، از آنجا که بمفهوم دنباله روی جنبش خود بخودی طبقه کارگر و ضابطا ایدئولوژی سیاسی بورژوازی است ولو آنکه توانسته باشد، کارگران بسیاری را هم گرد خود جمع کند، هیچ گاه قادر به تا مین همان ارتباط ارگانیک که خود این رفقا آنرا بیش شرط وحدت دانسته اند نخواهد بود. تا مین چنین ارتباطی در گروه در هم آمیختن ایدئولوژی و سیاست پرولتری با جنبش کارگری است.

بسیار این مطلب کلا درست است که هر گونه وحدت نیروهای کمونیستی، اگر در جریان شرکت در مبارزه اجتماعی صورت بگیرد و بهمارت دیگر درمثنی از شرکت کمونیستها در مبارزات روزمره طبقه کارگر و تودههای زحمتکش و کوشش برای پیوند با آنها تحقق نیابد، به هیچ وجه و یک وحدت واقعی و مبتنی بر اصول مارکسیستی - لنینیستی نمیتواند باشد و این نوع وحدت، بدون شک چیزی جز یک سرهم - بندی تشکیلاتی که مجرد از مبارزه اجتماعی و توسط روشنگران بی عمل صورت میگردد نخواهد بود، اما از این مطلب درست، هیچ گاه این نتیجه حاصل نمیشود که وحدت نیروهای کمونیستی نیاز مند یک پروسه طولانی بوده و موکل به یک مرحله کار سیاسی - تشکیلاتی مستقل این گروهها در میان طبقه و تا مین ارتباط ارگانیک با آن میشود. این کار چهی جز تأیید شتت و پراکندگی این گروهها و ادا سه عسره کار بها و دوباره کار بهای کتونی نیست. این کار، خود توان و ظرفیت نیروهای م.ل. را برای تا مین همین ارتباط ارگانیک و پیوند با جنبش کارگری محدود و تا جیز ساخته، موجب تاخیر انداختن این ارتباط و پیوند میشود.

امر " وحدت " و " سوبت " با طبقه، به مجموعه نباید بمنوان دو آلترناتیو و در مقابل هم قرار گیرند. این دو باید بمنوان دو جز و دو بخش کلا ملامتربط و هماغه در نظر گرفته شوند. نشه پیوند با طبقه موکل به وحدت میشود و نه وحدت موکل به پیوند با طبقه. پیوند با طبقه کارگر، زمینههای مادی لازم برای وحدت را فراهم میآورد و آنرا استحکام میدهد و مقابلا امر وحدت، جریان پیوند با طبقه کارگر را تسهیل و پروسه تحقق آنرا تسریع میکند.

بطور خلاصه، دیدگاه فوق از آنجهت که تا نظربرجهات مستقل نیروهای کمونیستی برای یک مرحله و تا به پراکندگی شتت و ادا سه عسره کار بها و ارتباط ارگانیک مستقل گروهها موکل میباشد، همان طور که گفتیم دیدگاهی یکنواختی و فرقه گرایی است. تا نباشد این دیدگاه، از آنجهت که برای ایدئولوژی و تشکیلاتی این گروهها را از هرگونه تحریف ایدئولوژیک غسل شصم خواهد داد و با ملاحظه آنها را پرولتریزه خواهد کرد.



دیدگاه دیگری که ظاهرا متضاد با دیدگاه اول بنظر میرسد، دیدگاه " اشلاف " و یا " اتحاد سیاسی " است. این دیدگاه معتقد بر آنست که گروههای سیاسی م.ل. باید با توافق بر سر یک برنامه و منشور سیاسی مشترک، فعالیت خود را در زمینههای مختلف، ام از انتشار ارگان سیاسی کار در میان کارگران و ایجاد سازمانهای حزبی و کارگری، فعالیتها را دموکراتیک و ... متخدا ساخته و از این طریق زمینه سیاسی، ایدئولوژیک و عملی مناسب را برای تشکیل حزب فراهم سازند.

" حقیقت " ارگان مرکزی اتحادیه کمونیستهای ایران (شماره ۱۱) طی مقاله ای تحت عنوان " در راه ایجاد حزب " چنین مینویسد :

" ما بر اساس برداشت خود از واقعیات جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران که بهعلا در آمار این مقاله بدان اشاره کردیم، بحثی پیرامون لزوم اشلاف گسروه های جنبش را در راه حزب مطرح نمودیم، جوهر بحث ما این بود و هست که باید همه محافل، گروهها و سازمانهای جنبش کمونیستی بگرد یک برنامه سیاسی - عملی و بر اساس یک منشور و پلتفرم ایدئولوژیک و سیاسی واحد مو' تلف گردند. هدف اصلی این اشلاف با داسی باشد که کار گروههای مختلف را در جهت ایجاد زمینههای سیاسی - تئوریک و مانی لازم برای حزب، در میان طبقه کارگر همگون و متحد کند تا در جریان این کار مشترک و کوشش متخدا نه گروهها زمینه لازم برای وحدت جنبش کمونیستی

و پیوند سوبالیسم علمی با جنبش کارگری و تا مین سوبال پرولتاریا مهیا گردد. " همینطور گسروه " مبارزین آزادی طبقه کارگر " در یکی از مدارک خود تحت عنوان " انقلاب دموکراتیک و رهبری پرولتاریا " مینویسد :

" از نظر ما در شرایط کنونی اتحاد محافل مارکسیست - لنینیست در یک اتحادیه انقلابی ضروری است. چنین اتحادیه ای ضمن آنکه با انتشار یک ارگان خبری - سیاسی مشترک میتواند از هر ز رخنه نیروهای مارکسیست - لنینیست جلوگیری کند و این نیروها را در جهت پیوند نزدیکتر با پرولتاریا و تودهها بکارگیرد، میتواند از طریق برقراری یک مبارزه ایدئولوژیک درونی به حل مسائل ایدئولوژیک جنبش کمک نماید. این اتحادیه با هماهنگ نمودن فعالیت محافل مارکسیست - لنینیست میتواند به مراتب به فعالیت عملی و نزدیک ما در جنبش توده ای بپردازد و شرایط لازم را برای افزایش نفوذ سیاسی تشکیلاتی ما در جنبش توده ای فراهم کند. "

اشکالات و ایرادات طرح " اشلاف " را بطور خلاصه میتوان بصورت زیر فرموله کرد :

۱ - طرح اشلاف، با در دستور قرار دادن یک سری همکاری های سیضاتیک و جاگیرکن ساختن بجای وحدت سیاسی - ایدئولوژیک گروههای م.ل.، نهائیا اقدام تشکیلاتی آنها، نه تنها به امر وحدت کمکی نمیکند، بلکه متضاد در مقابل آن قرار میگردد.

این درست است که نیروهای م.ل. در جریان مبارزه ایدئولوژیک میتوانند و باید وارد همکاری های بشوند، ولی آنچه که اهمیت اساسی دارد اینست که این همکاریها هیچگاه نباید بمنوان آلترناتیو در برابر وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروهها درآید. همکاریها که در خدمت وحدت قرار دارند و آنرا تسهیل مینمایند، امری ضروری و لازم هستند و طبقا به شناخت بیشتر گروهها از یکدیگر کمک زیادی میکنند. اما این همکاریها دیگر نه در چارچوب اشلاف سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی و نه بمنوا یک برنامه و نقشه در طول بگذرد، بلکه باید در کنار منورخاط اساسی وحدت، یعنی مبارزه ایدئولوژیک بغاظر تا مین وحدت سیاسی و تشکیلاتی و در خدمت آن قرار گیرد.

۲ - طرح اشلاف، بجای پرداختن به مبارزه ایدئولوژیک و تشکیلاتی و تا مین وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی که توان و ظرفیت گروهها را به مراتب افزایش میدهد، عمل اشلاف گروهها را در چارچوب یک سری همکاریها مشترک و طی بگذرد حفظ نموده و مانع از تحقق امر وحدت و تسریع آن میشود. این طرح همواره بجای تکیه بر آنچه که میباشد انجام گیرد، در سطح آنچه هم اکنون میتوان مشترکا انجام داد بسده کرده و با حفظ استقلال گروهی بر شتت و پراکندگی جنبش کمونیستی دامن میزند.

۳ - در دیدگاه اشلاف، بیش از آنکه روی مبارزه ایدئولوژیک و ضرورت آن تکیه شود، با ناگفته بماند بر جنبه های تفاهم و اشتراک نظر و تسکین موقت هیجانات ناشی از شتت و پراکندگی، مانع مشخص شدن برنامه و وجه افتراق و اشتراک گردیده و معلوم جادامه حرکت خود بخودی و غیراگاهانه (تقدم همکاری بر برنامه در سیاست) گروهها میگردد.

لنتین میگوید : " برای آنکه متحد شویم باید نخست مرزی را با قاطعیت و صراحت تمام مشخص کنیم. در غیر اینصورت اتحاد ما فقط مفهوم موهومی خواهد بود که بر شتت موهوم برده میکند و مانع برانداختن قطعی آن میشود. "

وارد استادبوم نختی شدند. در استادبوم مراسمی از طرف جمهوری اسلامی ترتیب داده شده بود. در هنگام ورود، زنان و دخترانی که در راهپیمایی کارگران پروژه‌های شرکت کرده بودند، با بدین مناسبت متکوک و شین اعتراضات ارتجاعی از آمدن به استادبوم خودداری کرده و رفتند. کارگران با اردشترادان نیری، زیادی از زنان وارد استادبوم شدند. در این حال آقای هاشمی رفسنجانی درحال سخنرانی بود... او پس از ورود کارگران پروژه‌ای به استادبوم سخنانش را چنین ادامه داد: کارگرانی که منضم می‌شوند از اردشترادان ی پول میگیرند و اوست که برای درهم گشتن انقلاب پس منعم هارا برای می اندازد و... او کارگران منضم را به خدائفلانی بودن متهم کرد...

با تحریکاتی که سخنان رفسنجانی بعمل آورد عناصر مرتجع در جمع کارگران پروژه‌ای وارد شده سعی در اهرام با نداشتن تجمع آنها می کنند و به هرمنواسی سعی میکنند برخورد راه بنهاندازند. آقای آیت الله موسوی رئیس حزب جمهوری اسلامی آبادان به کارگران پروژه‌ای اجازه نمیدهد که طعمه‌هفتان از بلند گو خوانده شود. سپس از اینکه طعمه‌ها حزب جمهوری اسلامی خوانده شد اعلام کرده که برنام ما بیان یافته است (در این قطع نامه آمده بود که روز جهانی کارگر به روزی غیر از اول ماه مه تغییر یابد) نماینده کارگران پروژه‌ای پس از اینکه مانع خواندن طعمه‌ها نام می شوند سمت کارگران آمده و با عیادی رسا شروع بصحت میکند و علیه مرتجع اینک مناسرتجیع با شمارهای "شدهکا گندش در آمد" و " دردمان دوستیت، بروگمشو کمونیست" و ... مانع صحنیهای او می شدند، این فرزند راستین خلق با تسلطی که داشت توانست قسمتی از رفسنجانی را برای کارگران بزند...

عناصر مرتجع که حدود ۱۰۰ نفر میشدند پیوسته دور اجتماع کارگران می‌چرخیدند و می‌دیدند شمار میدادند در این حال کارگران شروع به دادن شعار " سندیگامیزه و هیستنا " میکنند و با پاکبوسی، عزم کارگری خود را به نمایش می‌گذاشتند. نمایندگان کارگران برای اینکه دیگری پیش نیاید و باین وسیله آتوئی دست ارتجاع نیتفقد بهترینوی که شده بود کارگران را به آراشترادوت میگردند. برای همین کارگران به قدم بارگشت به سندیگام بطور دسته جمعی بسمت در فرعی استادبوم برای افتادند اما گروه مدفتره نا آگاه و مرتجع (که احتمالا در بیسن آنها ساراکی نیز وجود داشت) بصرت جلوی در دویده و مانع خروج کارگران شدند، درحالیکه پیوسته شعار " مرگ برکمونیست، الله اکبر و ... می دادند!

در همین حال این مناسرتجیع به عده‌ای از کارگران حمله کردند که ۹ نفر از آنان زخمی و مغرور شدند. کارگران بصمت در شرقی حرکت کردند و علیه مرتجع همان گروه مدفتره مانع خروج میخوند، کارگرا با رادفراخ شدند اما این گروه مرتجع در مسیر راه با چوب و چماق بیابان راست، نمایندگان کارگران اعلام دادند که کارگران مستغرق شوند. کارگران متفرق شدند ولی مناسرتجیع بعضی از کارگران را به تنهایی گیر آورده و مغرور میکنند. این مناسرتجیع حتی پلاکاردهایی که مکن آیت‌الله خمینی روی آن بود از دست کارگران میگردند و ادما می کردند که چون شما کمونیست هستید نباید مکن آقای خمینی در دست شما باشد.

کارگران قهرمان با مناسرتجیع خود و با آگاهی تمام توطئه‌های خائشانه یک مشت مرتجع را نقش بر آب کردند. همه کارگران از هاشمی رفسنجانی دل پری داشتند کسه چگونه دامن باین اختلافات زد و فرصت کافی را به مناسرتجیع زد و مرتجع داد تا با استفاده از تحریکات او آزادانه دست به خرابکاری بزنند...

شمارها و پلاکاردهای دیگری که وجود داشت: - تنهاره راهای اخراج آمریکایی - آمریکا، آمریکا دشمن خلق مانی - ارتجاع و امپریالیسم برای سرکوسی جنیبتش انقلابی و در مرکز آن برای سرکوسی جنیبتش کارگری ایران توطئه میکند، هتیاراشیمو این توطئه‌ها را درهم کوبیم.

- تأمیم المناسرتجیع التي تدارسن قبل الانجابنیسی کل المحافظات الاپرانیه. ترجمه: (ملی کردن کارخانه‌هاشیکه بوسبله بیگانگان در استانبلا اداره میخود) - انشاء برامج بومیه حامة من طریق التفاضله المالیه فی الرادبو والتلفزیون. بقیه در صفحه بعد

- است. صلاح کارگر اعتبار است (فردوس)
- تنها قانونی مقدس است که حامی زحمتکشان باشد
- روز جهانی کارگر را گرمی میداریم، بجای صد باد باد کارگران قهرمان جهان چیست.
- مستحکم باد پیوند دانش آموزها کارگر مبارز و قهرمان.
- اگر کارگر بیگوار پیدا نشود، سرمایه داران فقه دق میکند.
- شب کاری که آفت جان کارگراست باید لغو گردد.
- اعتصابات و اجتماعات کارگری از حقوق بدین چون و چرا است.
- قانون کار باید از دل خواسته‌های کارگران به وجود آید.
- گرمی باد خاطره اول ماه مه مونس، ستمیل شهابت کارگران جهان.
- سرکوب کارگران حمایت از سرمایه دار است.
- سرمایه دار خون و مرق کارگران درست ندهد.
- کلیه بدهی‌ها و تصدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود.
- مبارزات کارگران تا محو کامل امپریالیسم سرمایه داری از خاک وطنان ادامه دارد.
- من کارگرم، کارگری دین من است، دنیا وطن من است، زحمت آئین من است.
- اخراج کلیه سرمایه داران و کارشناسان خارجی و مصادره اموال آنها بفتح کارگران.
- انجمنها و شوراهای ایالتی و شهری گامی بزرگ به سوی دموکراسی است.
- آزادی متصاحبان آزادی اعتراضات.
- کارگران برای ایجاد سندیگای مستقل متحد شوید.
- ای کارگر اگر تو هم آدم هستی نیکار خدای عالم هستی
- تشکیل شوراهای کارگری در هرا حدتولید و پلچاد شورای مرکزی کارگری ضرورت فوری زمان است.
- داشتن سندیگای حق مسلم کارگران است.
- فرهنگ و نان باید به هر خانه راه یابد.
- برای تکمیل دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه متحدا مبارزه کنیم.
- درود بر طبقه کارگر پرچمدار رزم تاریخ ساز زحمتکشان ایران.
- پیش بسوی تشکیل واقعی کارگران.
-
- شمارها عبارت بودند از:
- سندیگامیزه و هیستنا (سندیگامیزت و شرف ماست)
- سندیگامیزت الحریه (سندیگامیزه ای آزادی است)
- کارگر، کارگر زنده بکار تو خیم.
- کارگران اتحاد، اتحاد، رنجبران اتحاد، اتحاد.
- آهین باد مشت رنجبران، زنده باد اتحاد کارگران.
- شیر زن کارگر توهم بیا ببیند.
- کارگران جهان متحد و بیفقه هم شوید.
- سندیگامیزت سزگرمکنان، کارفرما دشمن زحمتکشان.
- ستمل هر انقلاب کارگر قهرمان.
- کارگر، دهقان، زحمتکشان، پیروز است.
- کارگر، بزرگوار، اتحاد، اتحاد.
- چاره، رنجبران وحدت و تشکیل است.
- کارگر، کارگر، نابود کن ستمگر.
- سرمایه داران با بودا دست کارگر پیروز است.
- مرق میریزه کارگر پول می بره ستمگر.
- کارگران ایران متحد و منفق هم شوید.
- فعلی، فعلی، سندیگای واقعی.
- سندیگامیزت سزگرمکنان، خمینی رهبر زحمتکشان.
- استبداد نابود است، ارتجاع محکوم است.
- کارگر پیروز است امپریالیسم نابود است.
- کارگر و کشاورز غا من انقلاب است.
- کارمیکته کارگر سود میریزه ستمگر.
- سندیگای واقعی ایجاد یابد گردد، کارفرمای اجنبی نابود یابد گردد.
-

تمام این شمارها توسط خود کارگران تنظیم شده بود و با در مسیر راه مسئول شمار آنها را تنظیم میکرد. باین نشان دهنده، شناخت عمیق آنها به اوضاع و احوال اجتماعی بود.

بعد از ۱۷۵ دقیقه راهپیمایی، کارگران بسوی بزرگداشت کارگران شهید اول ماه مه یک دقیقه سگرت کردند ساعت ۵:۳۰. کارگران برای اینکه نشان دهند بسا تمامی خلق همگامند تا ارتجاع و امپریالیسم نابود شود،

۲ - در طرح اختلاف، با تائید یکجانبه برجسته‌ها ی تفاهم و اشتراک نظریه‌ها اساس وحدت اولیه وحدت اقل مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، وارد در یک سری همکاریها و فعالیتها مشترک و سیاستی میشود که عملا با استقلال گروهها که خود مانع از بین رفتن آنست، در تضاد قرار میگیرد و سازمانها و گروهها را از نظر تشکیلاتی و قبل از آنکه دارای برنامه و خط مشی واحد باشند اجبارا و بطور مکانیکی باید یکدیگر تداخل میدهند و آنفکشی و دست و پاگیریهایی زیادی را بوجود می‌آورد.

بطور علامه ایده اختلاف از آنجهت که بسک " طرف و " عمل" خاص را که برپایه اختلاف و با اتحاد سیاسی فرار دارد، عملا بصورت یک آلترناتیو در مقابل وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی گروههای م.ل. قرار میدهد، و از آنجهت که بسا تمحیل غرده کارپها و ادامه نشتت و پراکندگسی گروهها و حفظ استقلال سیاسی و سازمانی آنها نامی در برابر وحدت و یکپارچگی این نیروها میشود، دیدگاهی فراسوسیستی و نه پانگ سکتاریستی و گروه گرا یانه است. این دیدگاه هم زمینه‌های رشد پس گرایشات را دامن میزند و هم بطور کلی آتراتوجهی تشکیلاتی نموده و مانع از افتاء و طرد آن میشود.

نکته بسیار مهمی که باید در اینجا روی آن تائید شود، رابطه منطقی میان دو دیدگاه سبق الذکر و نقاط مشترکی است که میان آن دو وجود دارد. این دو دیدگاه، هر یک را پایگاه خاص خود میبازرزه ایدئولوژیک و نقش عنصر آگاه و تعیین برنامسه و سیاستهای لازم را نمیدهد و مقابلا تابع یک حرکت خودبفودی (اکتونومیستی و امپریستی) میگردد. همچنین این دو دیدگاه از آنجا که هر یک بصورت حرکت مستقل گروهها را مورد تائید قرار داده و وحدت آنها را به شرایط موقداتی ارتضا ط ارگانیک و با یکدوره همکاری و اختلاف موقوف میکند، دیدگاهی سکتاریستی و فرقه گرا یانه محسوب می‌شوند.

دیدگاه اول، از آنجا که عملا وحدت گروهها را منوط به ارتضا ط ارگانیک میداند، الزاماً چاره‌ای جز آن ندارد که در قبال نشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی، نوعی همکاری و با اختلاف سیاسی - ایدئولوژیک را مورد تائید قرار دهد و در اینجا بسا که دیدگاه اول با دیدگاه دوم بهم گره میخورند. نمونه بارز و برجسته گره خوردن این دو دیدگاه انحرافی را در طرح رفقای " مبارزین آزادی طلبه کارگر " در باره وحدت میثاق مشاهده نمود:

" اما اگر وحدت تشکیلاتی معادل ما - کمیت - نسبیست موقوف به ارتضا ط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا سندیگامیزه ارتضا ط ارگانیک)، این بدان مفهوم است که معادل ما کمیت - نسبیست که در جهت ارتضا ط با پرولتاریا، مؤسگری کرده اند نمی‌توانند و نباید متحد شوند و نیروهای خود را هماهنگ سازند ؟ بالمکس این معادل هم می‌توانند و هم باید متحد گردند (دیدگاه اختلاف) زیرا برقراری ارتضا ط سیاسی - تشکیلاتی با پرولتاریا مستلزم فعالیت وسیع و همه جانبه‌ای است که از عهده معادل جدا از هم، ساخته نیست (پس چرا بطرح اتحاد می‌کوشیم این جدا کیهارا همچنان حفظ کنیم ؟)

معادل ما کمیت - نسبیست در گوردار با پستی متحد شوند (چرا وحدت نکنند ؟) تا از این طریق با هماهنگ کردن فعالیت های خود (بخوان اختلاف) و جلوگیری از هرز روی نیروها و امکانات، نیرو و امکان وسیعتری برای تبلیغ و ترویج و سازماندهی فراهم کنند. "

مادر شماره آینده، دیدگاه و برنامه خودمان را در باره وحدت نیروهای م.ل. و پروژه تشکیل حزب کمونیست، مورد بررسی قرار میدهیم.

- صفحات ۲۷ و ۲۸ رساله انقلاب دموکراتیک و رهبری پرولتاریا، نوشته " مبارزین آزادی طلبه کارگر ". - مطالب داخل پراشتز از ما ست.

ترجمه : ایجاد برنامه های روزانه ویژه زیر نظر سندیکای کارکنان رادیو، تلویزیون .

مراسم بعد از ظهر : شاد و نشاط و ...

کارگران پروژه های همبستور از مردم آبادان دعوت بعمل آورده بودند که ساعت ۵ بعد از ظهر در محل سندیکا حضور بهم رسانیده و در جشن کارگران پروژه ای شرکت کنند " شاد و نشاط "

در آثار گروهی از کارگران سرود معروفه " شاد و نشاط " که نشان دهند، جنگ هر لحظه ای کارگران و سرما به داران است را خوانند :

" شاد و نشاط ، دوباره با هم ، دیده خواهی تو بردلغم ، هرگاه هم بوده باشیم ، این ستیزه نمی شود هیچ کسم ، جزمگر ، جزمگر ، در تمام این جهان ، پیروزی پیروزی ، کرده نصیب کارگران ، ای کارگر ، فدکارفرما بویخ ، جان را در ره خلق ایران بگذار " سپس نمایندگان بوسیله نمود کارگران پروژه ای اجرا شد موضوع نمایشنامه مبارزه کارگران پروژه ای و بیکار آری- دان را جهت گرفتن سندیکا و چگونگی تثبیت آنرا نشان میداد .

و آنگاه ، مادر یکی از کارگران پشت تریبون قرار گرفت و گفت :

" فرزند من که یکی از کارگران پروژه ای است بیکار شده و الان که آنها این سندیکای واقعی و فکدار - فرمایشی را درست کرده اند عده ای از سرمایه داران در حسنه بهیمنه نیهای آبادان اتحادیه قلابی بنام " اتحادیه کارگران بیکار و کارکنان تحصیل کرده های دبلیه به بالا " درست کرده اند و چون فرزندان ما زیر بار نرفتند به آنها در فرمانداری حمله کردند و دندان پسر من را هم شکستند . (پس از آن دندان فرزندی را به حمایت نشان داد) پس از آن در حالیکه این شیر زن قهرمان دستهایش را بالا برده بود ، فریاد زد : چاره رنجبران و وحدت و تشکلات است .

آنگاه " جمعیت زنان مبارز " ، دانش آموزان پیکار ، " دانش آموزان دبیرستان مدینه رضائی " ، دبیرستان فردوسی " ، دبیرستان شریف واقفی " و ... اعلام همبستگی کردند .

بردهوار سندیکا روی پارچه ای نوشته شده بود : " تشکلات واقعی کارگری گامهای استوار در جهت نابودی امپریالیسم است " (دانشجویان مبارز)

درد و بر کار گرفت ما باز و دیر و سرسخت ما اول ماهه در مسجد سلیمان چگونه بزرگوار شد؟

روز ۱۱ اردیبهشت ، طبق دعوت " شورای کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان " کارگران صنعت نفت برای بران همبستگی خود با تمام کارگران سراسر ایران و تحکیم پایه های وحدت خویش ، ساعت ۸/۵ صبح در باشگاه شرکت نفت جمع شدند . کارگران پیمانی شرکت نفت هم بعد از طی یک راه پیمانی دسته جمعی به جمع آنها پیوستند .

در این جمع ، چندین از کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکلات کارگری و وحدت کارگران سخنرانی کردند . همچنین نماینده کارگران پیمانی شرکت نفت ضمن صحبت بیروا مسائل کارگری و لزوم اتحاد تمام کارگران ، یادآور شد که کارگران صنعت نفت باید از خواسته های بحق کارگران پیمانی حمایت کنند که کارگران حاضر در جلسه این مسئله را تأیید کردند . یکی از خواسته های کارگران پیمانی ، رسمی شدن تمام کارگران پیمانی شرکت نفت مسجد سلیمان می باشد .

همزمان با این جشن کارگری ، عده ای از کارگران بیکار و کارگران سایر شرکتها ، از میدان نفتون سمت باشگاه شرکت نفت برای پیوستن به کارگران شرکت نفت حرکت کردند و چون جشن کارگران شرکت نفت تمام شده بود به راه پیمانی خود ادامه دادند . عده ای از کارگران شرکت نفت هم بعد از خارج شدن از باشگاه به صفوف آنها پیوستند و راه پیمانی را ادامه دادند . تظاهرات کنندگان معمولاً در حدود ۳۰ نفر بودند ، شعارهایی که کارگران ضمن راه پیمانی می دادند چنین بود :

۱- اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد .
۲- با زوی کارگر ستون انقلاب است ، بیکاری کارگر بزرگترین گناه است .
۳- کارگر ، کارگر سرمایه از روز ازل نبوده ، سرمایه دار حق تو را ربوده .

۴- سرمایه وابسته ملی باید گردد ، حقوق کارگر پرداخت باید گردد .
۵- درود بر کارگر نفت ما ، مبارز دلیر و سرسخت ما
۶- کارگر ، کارگر ، زنده بکار تو ایم .
در این راه پیمانی کارگران پلاکاردها و پوسترها نسی با خود حمل میکردند که در آنها در تأیید همبستگی کارگران شعارهای زیر چشم میخورد :

۱- گرمی باد اول ماه من ، روز جهانی کارگر !
۲- قانون کار باید از دل خواسته های کارگران بیرون بیاید .
۳- کارگران خواستار شرکت در مجلس مؤسسان هستد
۴- آهنگین باد مشت رنجبران ، زنده باد اتحاد کارگران .
۵- کارگر پاره میکند بگروز ، همه رنجبر وفید و بند جهان .
عده ای از نمایندگان هنرآموزان و کارمندان مسجد سلیمان نیز صف کارگران را همراهی میکنند .

در پایان این تظاهرات ، بعد از خواندن مقاله ای توسط یکی از کارگران بیکار ، پیرامون نقش طبقه کارگر در انقلاب اخیر ، قطعنامه شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران پروژه ای مسجد سلیمان ، قطعنامه کارگران نمایندگی ایران ناسیونال در مسجد سلیمان ، قطعنامه عده ای از کارگران پرسرزیون ، قطعنامه سندیکای کارگران پروژه ای مسجد سلیمان قرائت شد و سپس عده ای از دانش آموزان در تحلیل از روز جهانی کارگر برنامهمه سخنرانی و سرود دسته جمعی و شعر اجرا کردند . این مراسم در ساعت ۱۲/۵ ظهر به پایان رسید .



در راه شیب بزرگ ریزی جشن اول ماهه در شب سیریز

برای روز اول ماهه ما کارگران از طریق کمیته ای بنام " کمیته بزرگ ریزی کارگری اسلامی جشن کارگر " زینما بندگان کارخانه های مختلف دعوت میکنند که روز سه شنبه ساعت ۸ صبح در باغ گلستان جمع شده و از آنها به سمت باغ شمال حرکت کنند . کارگران برای این جشن قبلاً با زحمت بسیار از استان داری برای باغ شمال اجازه گرفته بودند . در همین روزها روحانیت شیریز محل تجمع رادانگاه شیریز اعلام نمود .

در روز کارگر یک پیکان راهنمایی مجهز به بلندگو در خیابانها اعلام میگردد که همه سمت دانشگاه بروند . در میدان ساعت عده زیادی از فالانژها (که در میان آنها عناصر روحانی هم بود) جمع شده بودند و راه را سمت استادیوم باغ شمال بسته بودند و همه را سمت دانشگاه هدایت میکردند . در جریان این راه پیمانی که انحامار طلسمی و تنگ نظری عاملین آنرا نشان میداد ، زدوخوردهای پیش آمد و به زنان توهین شد . بطور مشخصاً

دسته ای از کمیته زنان ماشین سازی بطور مستقل سمت استادیوم باغ شمال راه پیمانی میکنند ، که فالانژها راه را بر این زنان بسته و آنها توهین کرده و آنها را به اداره شهرداری بردن و زنان کارگر موفق شدند مجدداً به سمت باغ شمال حرکت کنند .

همینطور کارگران بیکار با وجودیکه فشار زیادی از طرف فالانژها به آنها وارد میشد و حتی نسیامت در آنها مصلحت شدند ، سرانجام سه را شکستند و از همان مسیر سمت میدان باغ شمال حرکت کردند . عده ای از کارگران دیگر هم همینکار را کردند . در استادیوم نیز عده ای از فالانژها با چوب و چماق به کارگران حمله کردند و زدو خورد در گرفت و سنگ اندازی بطرف کارگران صورت گرفت و جلوی اجرای برنامه های کارگران گرفته شد . فالانژها مرتباً شمار میدادند " کمونیستها باغ شمال مسلماً به سمت دانشگاه ... !

مراسم روز جهانی کارگر در اهواز ، چگونه توسط عده ای ضد کارگر برپا زده شد؟

کارگران بیکار و اخراجی اهواز روز ۱۱ اردیبهشت ، جهت رساندن فریاد خود بگوش سابرین و همچنین برای اعلام همبستگی با سایر کارگران ، ساعت ۴ بعد از ظهر در فلکه زیتون کارگری اجتماع کردند . کارگران بیکار و اخراجی با پلاکاردهای که روی آنها خواسته های کارگران نوشته شده بود ، بطرف باشگاه کارگران شرکت نفت اهواز حرکت کردند . کارگران در طول مسیر راه پیمانی با شعارهای " ایران مبین ماست ، سندیکا سنگر ماست " ، " خمینی رهبر ماست ، سندیکا سنگر ماست " و " ما خدا انقلابی نیستیم ، ما کارگر بیکار رهتیم " عده زیادی از افراد محله فقیر نشین حمیر آباد را بطرف خود جلب کردند . بطوری که عده زیادی زن و کودک هم به صف کارگران بیکار پیوستند . در انتهای خیابان حمیر آباد ، عده ای از عناصر

تحریک شده ، با انواع توهینها و حرفهای ناشایست سعی کردند راه پیمانی را متوقف کنند که کارگران با شعار " عناصر منافق از اجتماع کارگر اخراج باید گردند " برای پیمانی خود ادامه دادند . عناصر تحریک شده اینبار به صف کارگران بیکار و اخراجی حمله کردند و با چوبهای پلاکاردها شروع به مغرور کردن کارگران کردند که در نتیجه آن حدود ۸ نفر مجروح شدند . شعار عناصر لاف " داس ، چکش ، ستاره ، دیگر اثر ندارد " بود که مرتب تکرار میکردند . آنها سپس پلاکاردها و پوسترها را پاره کرده و در لجنهای اطراف محله فقیر نشین حمیر آباد انداختند ! ...

کارگران بعد از این بورش متفرق شدند و عده ای از آنها خود را به باشگاه کارگران شرکت نفت رسانند و در جشن آنها شرکت کنند . در اطراف باشگاه نیز عده ای از عناصر تحریک شده ، تحت حمایت کمیته امام پوسترها و پلاکاردهای " شورای مؤسسانا کنندند و بتدریج وارد سالن برگزاری جشن شدند . آنها داخل سالن نیز به انواع حیل سعی کردند جشن را بهم بریزند و آخر سر هم موفق شدند . آنها با عنوان کردن اینکه اگر جلسه اسلامی است چرا مگس " ق " بگذارد است ، چرا عکس آقای بازگان را زنده اند ... شروع به کند پوسترها و پلاکاردهای " شورای مؤسسانا کردند و از سخنرانی ، سخنران جلسه جلوگیری کردند . یکی از کارگران حاضر در جلسه میگفت : " من بعد از ۲۶ سال دلم خوش بود که امروز یک جشن واقعی میگیرم که آنهم اینطور شد " . افراد حاضر در جلسه ، بدون اذیت دادن بردباری خود ، بتدریج سالن را ترک کردند .

در بیرون باشگاه عناصر تحریک شده که مجهز به چماق و پنجه بکس و چاقو ... بودند شعارهای فذکمونیستی میدادند . کارگران و دانشجویان را متفرق کردند . عناصر فوق با ماشینهای کمیته و همچنین وانت بارهای کرا به ای از محلات مختلف اهواز در محل جشن حاضر شده بودند . در جریان این حادثه افراد کمیته امام ناظر جریان بوده و کوچکترین کوششی در جهت جلوگیری از اعمال این عناصر تحریک شده نکردند . در طول باشگاه ، عناصر فوق یک پسر بچه ۱۵ - ۱۴ ساله را تنها مجرم اینکه یک روزنامه کارگری دستش دیده بودند ، مفلک کت کرده و مغرور کردند . در طول این جریان ، افراد خانواده های کارگران (باشگاه در محله کارگران نفت واقع است) از این حادثه شدت ناراحت بودند و اظهار می کردند که اولادش کارگری که جرم نیست ، ثانیاً اگر هم راه پیمانی و تظاهراتی برپا می شود ، علتش بیکاری و تأمین شدن زندگی آنهاست و ...

عناصر تحریک شده ، تا ساعت ۷/۵ شب (جشن از ساعت ۵ شروع شده بود) در منطقه حضور داشتند و مداوم کارگران و دانشجویان مبارز بودند و هرجا آنها را پدید میکردند ، دسته جمعی آنها را مغرور میکردند .

مبارزات و اعتصابات کارگری

در طول چند ماهی که از قیام مسلحانه بهمن ماه می گذرد هفته‌ای نیست که ما شاهد اعتصاب و تظاهرات کارگران باشیم. محرومانی اعتصابات و تظاهرات را خواسته‌ها و معنی کارگران: پایان دادن به بیکاری، پرداخت حقوق، رسمی شدن و بیمه و... تشکیل می دهد.

چرا کارگران دست به اعتصاب و تظاهرات می زنند؟ جواب این سؤال از نظر کارگر گریسته و ستم کش معلوم است ولی عناصر تنگ نظر، متعصب و انحصار طلب که بیشتر به فکر زندگی آرام خود و بدست آوردن مقام و منزلت هستند، بنا بر دست با عناصه نظیر "هد انقلابی" و "اخلالگر" به کارگران می تازند.

اما کارگرانی که با بدل جان و خون خهش در جریان انقلاب بر اثر تعطیل کارخانه، اعتصاب از کار بیکار شده‌اند و در این گرانی سرسام آور هزینه زندگی بدون هیچ پشتوانه‌ای باقی مانده‌اند. اکنون کمزورترین سرنگین شده بحق خواهان تحقق خواسته‌هایشان هستند. اما آنچه آنها در زندگی روزمره خود مشاهده می کنند خلاف این خواسته‌هایشان است. آنها وقتی به کارخانه بر می گردند، اکثرا با همان عوامل رژیم سابق منتصبی در لباس انقلابی مواجه میشوند و جوابهای معمولی سرپایه داران و مسئولین مربوطه را می شنوند.

آنها وقتی بخاطر گرفتن حقوق عقب افتاده تلاش می کنند کمتر نتیجه می گیرند و... وزارت کار آنها را سر می داند و... اخبار زهر گشای از تظاهرات و اعتصابات کارگری است؛

بیکاریشان را نیز گرفتند (البته حد اکثر حقوق مدت بیکاری ۴۰ روز بود). از خواسته‌های دیگر کارگران، اضافه حق حقوق بود. نمایندگان کارگران لیستی از اضافه حقوق تهیه کرده و با خود به تهران می برند (۱) - (اواغسر فروردین ماه) - و از مدیر عامل کل شرکت ماشین سازی پارس فسروری بنام ترک زاده (قoul می گیرند که این لیست را قبول کرده و بر طبق آن، روز ۸ اردیبهشت، پول برای کارگران بفرستد.

روز ۸ اردیبهشت پول نمی رسد و روز ۹ اردیبهشت از تهران خبر می رسد که با اضافه حقوق مورد دلخواه شما موافقت نشده است. به محض رسیدن این خبر به گسوس کارگران، آنها دست از کار می کشند و دفاتر اداری شرکت ماشین سازی را نیز تعطیل می کنند. در همین حال ما موریان کمیته امام سر میروند و علت اعتصاب را جویا میشوند نمایندگان علت را به آنها توضیح می دهند. سپس یکی از آنها برای کارگران سخنرانی می کند و از آنها می خواهد که اعتصابشان را شکسته، بسر کار بروند، ولی کارگران قبول نمی کنند، قرار می شود که نمایندگان کارگران به کمیته کار و امور اجتماع در اهواز رفته و با مسئولین کمیته صحبت کنند...

پس روزی کارگران متوسلک

چرخهای کارگاه ما بدون وجود کارفرما بدست کارگران بکارتاناد

واقع همگی آغاز شد که کارفرما همه ما (۱۰ نفر کارگر) را در تاریخ ۵/۸/۱۳۵۸ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد. هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج شرکت مراجعه کردیم، با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم. ولی مسانهراسیدیم. مقاومت کرده و در همانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود نقد اشتم که البته بعدا برپسله ما موزان مسلح کمیته تفری داده شد. در ضمن تحصن با مراجعه موزان وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام، خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شدیم. ناچار دست به اعتصاب غذا زدیم. ۲۵ روز تحصن همراه با ۴ روز اعتصاب غذا نتیجه؟ هیچ!

اعتصاب کارگران کارخانه پارسه بانی مقدم

کارگران این کارخانه از ۸/۲/۵۸ دست به اعتصاب زدند. خواست آنها بقرار زیر است ۱- افزایش دستمزد ۲- کاهش ساعت کار ۳- سرورین آباب و نذهاب برای کسج و تهران ۴- سالن غذا خوری با میز و صندلی (گزارش رسیدن جریان این اعتصاب را تا تاریخ ۵۸/۲/۱۲ نشان میدهد).

نکاتی در مورد این کارخانه: مدت کار، زیاد؛ کارگر-ان با حساب ۱ ساعت تا ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه کار می-کنند و دستمزد کم؛ متوسط دستمزد کارگران... تومان در ماه است. - اخراج مستمر کارگران؛ صاحب کارخانه کارگران را به - چهار ماه بیکار اخراج می کند تا به این ترتیب از پرداخت حق بیمه باز نشستی و سایر مزایا... خود داری کند.

نام کارگران بیکار کارخانه دوخت مقدم

کارگران بیکار این کارخانه واقع در نظرآباد بزرگ "طسی" شده اند.

۱- استخدام فوری کارگران بیکار
۲- پرداخت دستمزد ها در ایام تعطیلی
۳- پرداخت کلیه پولهای حق قبلا - بعنوان حق بیمه از دستمزد کسر شده است.
۴- بیمه کردن تمام کارگران.

در این نامه آمده است که "ما گروهی از کارگران زن کارخانه این گزارش را برای روشن شدن ذهن هموطنانمان بر آنچه که بر اثر اعمال ضد کارگری روسای این کارخانه بر ما وارد شده است، می نویسیم". آنها می نویسند که "در این کارخانه حدود ۸۰ کارگر کار می کنند که اکثرا زن هستند و دستمزد روزانه شان حدود ۲۵ تومان است... قبل از عید کارفرما اظهار داشت که تولید کارخانه بغرض نمی رسد و شما می توانید دنبال کارتان بروید... و اکنون که مدتی است کارخانه را افتاده ما را به بهانه اینکه به کارگر نیازی نیست استخدام نمی کنند". کارگران این کارخانه با اینکه خود بیمه از حقوقشان کسر می شده ولی بیمه نبوده اند. سود ویژه به بهانه "رسمی نبودن" دریافت نمی کرده‌اند...

۸۰ کارگریانی شرکت نفت مسجد سلیمان خواهان رسمی شدن میباشند

"کارگران این شرکت که ۸۰ نفر بوده و اکثرا ۵۰ سال سابقه خدمت دارند، نه تنها از مزایای سطح حق سکن، سود ویژه و... برخوردار نیستند بلکه دستمزد ها - شان بسیار پایین است. طوریکه یک کارگر ساده روزانه ۲۲۹ ریال مزد می گیرد. - این کارگران در جلسه مشترک، ۱/۱۲/۵۸ خواسته‌های خود را به شرح زیر تنظیم کرده، به اداره ابلاغ و به آن دو ماه فرصت برای رسیدگی به این خواسته‌ها داده اند. خواسته‌های این کارگران بقرار زیر است:

۱- رسمی شدن کلیه کارگران
۲- روسای مزدوریکه در گذشته با رژیم شاه زد و بند داشتند برکنار شوند؛
۳- عامل قرار دادهای شرکت نفت با کارفرمایان به دادگاه - ها سپرده شود تا از روند های مسئولین برای بالا کشیدن حق کارگران پسمانی بر ملا شود.
تا کنون جواب سماندی از طرف شرکت نفت به کارگران داده نشده است.

اعتصاب و صنایع فولاد

صنایع فولاد: مجتمع صنایع فولاد، در حال حاضر توسط سه شرکت بهمانکاری فاستر ویلر - مانا - ماشین سازی پارس در حال ساختمان و مونتاژ دستگاهها و... است. کارگران قسمت ماشین سازی از آذر ماه ۵۷ تا ۲۸ بهمن ماه در حال اعتصاب بسر می بردند که در این تاریخ کارگران بسر کار خود باز گشتند. قبل از این تاریخ شرکت ماشین سازی حدود ۲۲۰ نفر از کارگران خود ترا اخراج کرده بود. بعد از شروع کار، کارگران از بس خود - نفر نمایند انتخایب کردند که خواسته‌هایشان را دنبال کنند. یکی از خواسته‌های کارگران تعطیلی پنج شنبه هابود که توسط نامه های مکرر خواستار تعطیلی شدن پنج شنبه هابودند. بعد از عید نوروز کارگران خودشان پنج شنبه ها را تعطیل کردند (کارگران شرکت‌های مانا و فاستر ویلر هم بدنبال این جریان پنج شنبه هارا تعطیل کردند).
از خواسته‌های دیگر کارگران بازگشتن کارگران اخراجی بود که کارگران به اتفاق نمایندگان خود موفق شدند کارگر-ان اخراجی را بسر کار باز گردانند و نیز حقوق نصف مدت

۱- استخدام فوری کارگران بیکار
۲- پرداخت دستمزد ها در ایام تعطیلی
۳- پرداخت کلیه پولهای حق قبلا - بعنوان حق بیمه از دستمزد کسر شده است.
۴- بیمه کردن تمام کارگران.

در این نامه آمده است که "ما گروهی از کارگران زن کارخانه این گزارش را برای روشن شدن ذهن هموطنانمان بر آنچه که بر اثر اعمال ضد کارگری روسای این کارخانه بر ما وارد شده است، می نویسیم". آنها می نویسند که "در این کارخانه حدود ۸۰ کارگر کار می کنند که اکثرا زن هستند و دستمزد روزانه شان حدود ۲۵ تومان است... قبل از عید کارفرما اظهار داشت که تولید کارخانه بغرض نمی رسد و شما می توانید دنبال کارتان بروید... و اکنون که مدتی است کارخانه را افتاده ما را به بهانه اینکه به کارگر نیازی نیست استخدام نمی کنند". کارگران این کارخانه با اینکه خود بیمه از حقوقشان کسر می شده ولی بیمه نبوده اند. سود ویژه به بهانه "رسمی نبودن" دریافت نمی کرده‌اند...

اجتماع شرکت ساختمانیهک

صبح روز شنبه ۵۸/۲/۱۵ کارگران این شرکت پس از ماه ها دوندگی جلوی ساختمان شرکت واقع در خیابان تخت جمشید برای دریافت حقوق عقب افتاده ۶ ماهه در مقابل شرکت منور جمع کردند... هنوز، از نتیجه ای این تجمع اطلاعی بدست ما نرسیده است.

توطئه‌چینی علیه کارگران

خبری داریم از کارخانه سیمان آهیک بتاريخ ۲/۱۴/۵۸ مبنی بر اینکه در این کارخانه اعلامیه بدون امضای پخش شده که در آن به "کمیته امام به عنوان دشمن سند بگهای واقعی کارگران" حمله شده است. این اعلامیه به اتحاد و همبستگی کارگران خدشده وارد ساخته بدست "روحانی" پیشنامز کارخانه، گزک داده است تا در بین کارگران اختلافات را دامن زند.

تحصن کارگران شرکت بهمنشیر

۱۲۰ نفر کارگر شرکت بهمنشیر وابسته به صنایع چوب و کاغذ مازندران برای احقاق حقوق خود از ۵۸/۲/۱۵ به مدت ۴۸ ساعت در استانداری تحصن کرده اند. سرمایه-مدان این شرکت غلامرضا پهلوی بوده و کارخانه را شخصی بنام مهندس صالحی اداره میکرده است. که اکنون فراری

در حالی که بازوان پرتوان ما بنعل جمعه‌ها گرسنه‌اند؛
در حالی که بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه‌ها، مینمان راد آستانه وریشگی قرار داده است؛
در حالی که رهبرانقلاب، ضرورت بکارانداختن چرخهای اقتصاد مملکت را بارها تذکر می‌دهند؛
در حالی که چرخهای کارگاه ما در حال زنگ زدن و از کار افتادن بود؛
چه باید بگردیم؟ برای ما کارگران فقط یک راه باقی بود آن، **گرفتن کارگاه در دست خود و بکارانداختن چرخهای آن بسا** **انگیزه نیروی خود.**

به این ترتیب بزرگ شنبه ۹ اردیبهشت به کارگاه رفته و بعد از تعمیر دستگاهها و تعمیر کارخانه دست به کار تولید و فروش شدیم.

دو روز کار برون کارفرما و عمال مزدورش به ما چه آموخت؟
در همین دو روزی که ما کارگران خود اداره کارگاه را در دست گرفته ایم باین نتیجه رسیدیم که:

۱- ما قادر به تولید تنها برابر، بلکه بیشتر از سابق هم هستیم.
۲- میتوانیم هزینه ها را به حداقل برسانیم.
۳- بدین وجود ما ملین کارفرما علاوه بر تحویب صحیح تقسیم کار، محیط کار صیانه ای هم بر ایمان ایجاد شده است.
۴- ما خود میتوانیم کنترل تولید و فروش را در دست داشته باشیم.
و به این ترتیب ما به کار خود ادامه میدهم و هیچ کس و هیچ نیرویی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم منصرف کند. ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که: **کارگران میتوانند و باید کارخانه های تعطیل شده برپسله کارفرمایان ضدانقلابی را، بکار اندازند.**

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه "خوساک" (۵۸/۲/۱۱)

(۱) - اضافه حقوق برای همکاران یکسان نبودن بین ۱۵۰ تا ۱۲۰ درصد بود. کارگرانی که سطح حقوقشان پایین بود. از اضافه حقوق بیشتری برخوردار می شدند. ولی، متوسط اضافه حقوق بطور کلی ۵۰ تا ۶۰ درصد بود.

نمونه‌ای از بقای ضد انقلابی با دست های سابق

برای مقابله با محاصرات، طرح تشکیل گروه پشتیبانی را داده بود. برای تصفیه این گروه، خواست اکثریت را نظر گذارند.

- ۳- سید عبدالله مستطای: یکی از رؤسای کارخانه 400 و بسیاری مرغه است.
- ۴- شکر خدا بهمن: فلانژیروشنفره، تکسین اداره تهیه گاز و گاز مایع.
- ۵- شماس: کارمند ارشد گاز و گاز مایع، فلانژیرو، صاحب ویلا و تحصیل کرده انگلستان است. او بزرگ فلانژیرو صنعت نفت محسوب میشود و عمده رهبری شورای گاز و گاز مایع در دست اوست. و بیشترین اعمال نفوذ را در شورای انقلابی صنعت نفت [که نماینده گاز و گاز مایع در آن شورا است] انجام میدهد. او پسریکی از حاجی های مشهور بازاری می باشد.

کارگران دلیرو پیشرو صنعت نفت پس از قیام، سازه خود را برای تصفیه و اخراج عناصر ضد انقلابی و کسانی که در گذشته با رژیم شاه خائن همکاری و سیمی داشته اند آغاز کردند. امام دین را به پاسنامهتهای فراوانی از جانب مقامات مسئول ریور شدند. شمار انقلابی آنها تا بدان حد بود که عملاً هیئت مدیره شرکت را یکبار واداره استغنائون که بلافاصله در موضع خود ایضا شدند. علیخبر تمام صنایع آشتی جوانه که کارگران و کارندان مبارز را به سازش با حتی سردسته ها و طراحان ضد انقلابی دعوت نمینماید. کارگران و کارندان مبارز شرکت نفت، مبارزه بحق خود را برای تصفیه عناصر و وابسته ادامه میدهند. در زیر نمونه ای از اعمال مقامات مسئول و عناصر سازشکار را برای زیر پا گذاشتن خواست اکثریت توده های کارگر و کارمند میآوریم:

- ۱- منجزی: یک کارگر (NGL 400) آرتستوکرا ت است.
- ۲- علی صالح مرادی: رئیس کارخانه 600 چند واحد خانه دارد که به شرکت اجازه داده است. و بر خوردن های بسیار بوروکراتیک با توده های کارمند دارد.

نامه ای که بدنبال این سطوری آمد بتاريخ ۷/۱/۵۸ از طرف علی گرامی رئیس اداره گاز و گاز مایع خطاب به جهانگیر رثویی سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت که به منظور ادامه راه حل ملی مناسب مقابله با اعتصاب کارکنان صنعت نفت نوشته شده است. این سند و اسناد دیگر، توسط کارکنان صنعت نفت به دست آمده و از آنها برای تصفیه عناصر مزدور رژیم سابق و پاکسازی صنعت نفت استفاده میکنند. در این نامه علی گرامی روش های مقابله با اعتصابات و پیشگیری آن را به رثویی ارائه میدهد و بخصوص طرح یک نیروی ذخیره برای عملیات اضطراری با انضباط و دیسیپلین ارتزی را پیشنهاد میکند و نقش ضد انقلابی خود شرا به وضع نشان میدهد.

۱- انتخاب نمایندگان کارکنان: تعیین و انتخاب چنین نمایندگانی از طریق دموکراتیک که مورد قبول کامل کارکنان و کارگران باشد کاملاً حیاتی و ضروریست و میبایست در اسرع وقت انجام شود.

۲- تشکیل کمیته رهبری و سازمان مواجهه با اعتصاب: تشکیل چنین کمیته و سازمانی از طرف شرکت ملی نفت ایران برای هر یک از شرکتها یا تابعه کاملاً ضروریست. این سازمان باید در هر مورد تعیین کننده سیاست مواجهه با آن مورد معین باشد. عملیات رهبری، مذاکره، تصمیم، تبلیغ، روابط عمومی و روابط خارجه باید در چنین سازمانی متمرکز گردد. بدون چنین سازمانی عملیات موفقیت آمیز و سریع مواجهه با اعتصاب مقدور نیست. تشکیلات چنین سازمانی باید قبل داده شده باشد و برنامه این معمل باشد و وسائلی تهیه و ذخیره شده باشد.

دوره ها و تفاوت کنند. ها و تشکیلات دهند. های پساً هوش و مطنمی باشند که نسبت بوقایع فکر و دید روشن- بینانه ای داشته باشند و در عین حال بحث کنند. های منطقی و فروشنده موفق قیامد آرا باشند.

۳- نیروی انسانی ذخیره برای عملیات اضطراری: ایجاد نیروی انسانی ذخیره ای که در مواقع اضطراری راساً و عملاً بهره برداری و عملیات قسمتهای حیاتی شرکت را بعهده بگیرد لازم بنظر میرسد. چنین سازمانی در شرایطی وارد عمل میشود که نیروی معمولی کارکنان بدلیل عده ای از قبیل اعتصاب شورش، جنگ و یا خرابکاری های عده از هم پاشیده شده باشد.

انفراد این سازمان فقط در مواقع اضطراری تحسنت دیسیپلین و مقررات ارتزی باشند. در این مواقع رفتار با آنها و مجازات آنها تحت قوانین ارتزی باشد.

منابع انسانی لازم برای چنین سازمانی میتواند یکی مجموعه ای از منابع زیر باشد. الف- انفراد ارتشد شرکت بعد از یک کارآموزی مبتد ب- کارگران با کارندان داوطلب داخل شرکت با سابقه و تجربه مربوطه

ج- انفراد ایرانی و غیر ایرانی خارج از کمپانی که بسک کارآموزی و مانور طولانی با بگذرانند. آموزش و مانورهای مستمری برای این است تا تیم های مؤثرتری در این مورد برای کارهای معینی سازمان داد بدیسی است این تیمها بیشتر برای نقاط استراتژیک مخصوص تشکیل و تربیت شوند و یکبارگرفتن تیمی که برای یک واحد معینی تربیت شد در واحدهای دیگر شاید برای بهره برداری های مختلف عملی باشد ولی در دست های گاز و گاز مایع و تصفیه خانهها میبایست برای کار مخصوص در کارخانه مخصوص آموزش ببینند و تربیت شوند.

د- مقابل کار و تقبل تعهدی که این افراد میکنند افزایش حقوق مخصوص شیبه حق کارگاهی درست شود که در مواقع ذخیره نفت در صد کوچکی از حقوق معمولی در مواقع کار واقعی و اعتصابات ۲۰۰ الی ۳۰۰ درصد حقوق معمولی باشد که داوطلبین لازم را جذب نماید.

ه- برنامه دقیق و جزئی عملیاتی برنامه جزئی و کامل تهیه وسائل حفاظت، امکان سکونت در محل و وسائل حمل و نقل، ارتباطات رادیو تلفنی طوق حفاظت خانواده، هم و اموال اشخاص و روشهای جزئی پنهانکاری کامل از هم اکنون تهیه و بوضع اجرا گذاشته شود.

۶- سیستم های خودکار و کنترل از راه دور برای واحد های بهره برداری

جهز کردن تعدادی از کارخانه های بهره برداری بسا سیستم های خودکار کامل و تلنویزیونی مدار بسته و کنترل از راه دور کاملاً مقدور و ایمن است. برای ساده کردن عملیات بهره برداری نفت تقلیل تعداد مرحله های بهره برداری از ۴ و ۵ مرحله به ۳ یا ۲ مرحله ضروریست.

جنب آتای جهانگیر رثویی سرپرست عملیات اکتشاف و بهره برداری شرکت ملی نفت ایران

نوشته زیر تجزیه تحلیلی است که اینجانب از اعتصابات اخیر کارکنان و مؤمیت شرکت میکم. چون شامل مطالباتی است که سیاستهای کل شرکت را در بر میگیرد و شامل سرمایه گذارها و خرجهای عملیاتی است و لزوماً احتیاج به تصمیم های در سطح عالی مدیریت دارد لذا مستقیماً بشما نوشته میشود و در صورت موافقت در سطح دیگر نیز طرح میشود.

تجزیه اعتصابات اخیر در شرکت خاص خدمات نفت ایران نشان داد که این سازمان شاید مانند سایر سازمانهای دیگر شرکت ملی نفت ایران در مقابل عمل دستجمعی یک پاره ای چون اعتصاب اخیر نه تنها آمادگی مقابله ندارد بلکه کاملاً بی دفاع و تسلیم است. بررسی بعضی از علل عده ایمن جریان کنگی برای کشف کمبودها و تجزیه بهتر نیروها برای مقابله آتی با چنین حوادثی است.

اگر با فکری روشن و بی طرف به موضوع نگاه کنیم علل عدم توفیق شرکت در مقابله موفقیت آمیز با اعتصاب اخیر برقرار زیر بنظر میرسد.

۱- در گذشته اعتصابهای همین وجود داشته و باینجه هر دو طرف اعتصاب (کارکنان و شرکت) در این مورد کاملاً بی تجربه بوده اند و در جریان اعتصابات اخیر دنبال راه و حرات شدند.

این ادعا هم در مورد شرکت و هم در مورد عده کثیری از کارکنان و نمایندگان کارکنان صادق است و تنها معدودی از رهبران اعتصاب بودند که واقعاً در پیشاپیش حوادث حرکت میکردند و از اتفاقات بنفع خود استفاده می نمودند یا بزبان دیگر برنامه داشتند و فکر و پیش بینی میکردند و عملی را خود را در مقابل حوادث بررسی نمودند و راههای دیگر زنده نگه داشتند اعتصاب را بررسی کرده و اجرا نمینمودند.

۲- در گذشته سازمانهای دولتی وجود داشته اند که ابتکار عملیات را در دست داشته و بطور خودکار از شرکت حمایت میکردند. اند و باینجه بسک سیستم خود سانسوری خود کنترل بر سیستم غالب بوده و بطور کلی شرکت احساس احتیاجی برای خودگفائی در مقابل چنین جریاناتی نداشته و ندارد.

۳- عدم وجود نمایندگان مسئول و یک سازمان رسمی هدایت کننده و گفتگو کننده و در هر دو جنبه (شرکت و کارکنان) کاملاً بخش میخورند و بدون چنین سازمانی از دو طرف کمبود قبول انتخاب کنندگان باشد هرگونه مذاکره، ارتباط و رهبری بطور کلی زیان گیر، کم نتیجه، و مغشوش خواهد بود.

۴- سازمان خاص انکو و رابطه اش با شرکت ملی نفت ایران از لحاظ سیاستهای پرسنلی، کارائی پایین مدیریت (در سطح متوسط مدیریت) توزیع نامناسب سنی کارکنان، تراکم کارندان خارجه در سازمانهای مختلف همه عوامل مهم و مؤثری بودند که بنفع ادامه اعتصاب عمل می نمودند.

۵- یک نکته بسیار مهم اینست که مختصات سیاسی و اجتماعی ایران در این مرحله از زمان حاکم بر تمام این عوامل بوده اگر کسی این اعتصاب را در متن و چهارچوب قیام داخلی و سیاست های کلی دولت و روشهای ملت قرار نینداید راه حل هایش بیبجی وجه نمیتوانست مؤثر و عملی باشد. بهتر تقدیر این موضوعی در برهمیده شد و اگر بوضع استنباط شده بود شاید روی مسائل خیلی جزئی توافقهای مهمی میتوانست انجام شود و زمانهای با ارزشی از دست نیرفت.

با در نظر گرفتن مطالب بالا پیشنهادات زیر منطقی و عملی بنظر میرسد.

در رابطه با تشکیل شوراها و کمیته های انقلابی در شرکت نفت به منظور تصفیه افراد ضد انقلابی و پاکسازی صنعت نفت در روز یکشنبه ۵/۸/۱۶ جلسه پاکسازی گاز و گاز مایع از ساعت ۱۱ صبح تا ۵ بعد از ظهر با شرکت کارکنان و کارندان اهواز، آفاجاری، گیساران، ماهشهره در اهواز تشکیل شد تا نسبت به موضوع پاکسازی محیط کار تبادل نظر و تصمیم گیری کند. این جلسه به مدت کمیته اداره گاز و گاز مایع اهواز و با توجه به توصیه های حسن نیت - مدیرعامل شرکت نفت - برگزار میشود. ترکیب کمیته انقلابی گاز و گاز مایع عبارت از ۴ کارمند و ۱ کارگراست که زیر نفوذ و رهبری مستقیم شماسی که از کارندان با سابقه است می باشد. این کمیته تحت تاثیر شماسی است و شماسی نقش مهمی در تصمیم گیریهای کمیته دارد.

در این جلسه شگفتی که کارگران و کارندان از عده ای (کارکنان) داشته اند مطرح شد و پس از اینکه فرصت کافی برای توضیح به طرفین داده شد، جمع حاضر با رای مخفی درباره کسانی که مورد اتهام قرار گرفته بودند نظر خود را ابراز داشت. یکی از آقایانی که مورد بازخواست و اتهام قرار گرفت همین جناب علی اشرف گرامی بود که طرح مقابله با اعتصاب را پیشنهاد کرده بود. در این جلسه ۲۲ نفر رای

به ایضا، ۴۳ نفر رای به فرصت دادن و ۷۲ نفر رای به برکناری دادند و علیخبر اینکه ۷۳ رای از مجموع ۱۴۸ رای دایر بر برکناری و ۴۳ رای فرصت بود شورای انقلابی [] به او فرصت داده و عملاً در دست خود شایقه کرد. در این طرح باقراد ۳۳ نفر است که در این مورد بعد از استنفاض مدت در اجتماع کارکنان رای گیری میشود تا رای خود را اظهار کنند. این تصمیم گیری به وضع ماهیت شورای - اصلاح انقلابی گاز و گاز مایع رهبری شماسی را نشان میدهد که چگونه با یک عنصر ضد انقلابی سازش میکنند. گرامی در عرض یکسال گذشته با گروه رضائی ها میخورد (در رژیم شاه) این مدعا را طی کرد: رئیس مهندسی گاز و گاز مایع و رئیس اداره عملیات گاز و گاز مایع و آخرین مستش معاون مدیر گاز و گاز مایع بود و الان عملاً (تسما) سرپرست گاز و گاز مایع است (گفتی است که آقای تیزه مدیرعامل نفت به علت فشارهای که از پایشین به او وارد شد بخش نامای صادر کرده و گفته تمام رؤسا و مدیران مؤتمی هستند و حالا برای ارائه افتادن نفت با آنها پیامیزد و کم کم تصفیه میشوند. به همین جهت شما ها فعلاً رسمی نیست ولی در زمانهای هست که نشان میدهد که اینها ایضا میشوند.)

رثویی که نامه به او نوشته شده در حال حاضر رئیس مناطق نفت خیز جنوب است و قبلاً رئیس کل تولید و اکتشاف (قبلاً از قیام) بود که در زمان انصاری از معاونت OSCO (شرکت خاص خدمات) به ریاست OSCO و شرکت های عامل نفت تبدیل شد. الان رئیس بلاواسطه OSCO، شرکتهای عامل نفت و عملیات غیر صنعتی مناطق نفت خیز است - چگون OSCO با شرکت ملی یکی شده است.

رثویی عده ای از مدیران و رؤسا باندی را تشکیل میدهند که در رأس آن رثویی است، گرامی (که هر دو تزیونی هستند) تهرانی (مدیر مهندسی نفت)، سراجی (مدیر پرسنل) و عده ای دیگر از جمله جورابچی اعضای این باند هستند برای ارتقا، یکدیگر میگویند (آنها روابط نامبلی دارند) و محل تجمعشان باشگاه اهواز است. غیر از اینها باندهای دیگری هم هست که محل تجمعشان باشگاه گلستان است و برخی عناصر آن دستگیر شده اند (تفصیله و ...). اعضای کمیته انقلابی گاز و گاز مایع که این تصمیم را گرفته اند ۴ کارمند و ۱ کارگر به اسمی:

دربک قرن پیش کارگران همه کشورها تصمیم گرفتند که این روز، اول می را همه ساله جشن بگیرند.

در سال ۱۸۸۹ در پاریس بود که کارگران در کنگره سوسیالیستی همه کشورها تصمیم به اعلام مریخ این روز (اول می) کردند. وقتیکه طبیعت از خواب زمستانی بیدار میشود، هنگامیکه گلها و تپه ها نمای سبز خود میگیرند و کشتزارها و مزارع خود را با گلها آراست و زینت میدهند زمانیکه خورشید با گرمی و حرارت بیشتری میدرخشد تا زمانی که فضا را برمیگرداند طبیعت نمای رقص مریخ، انگار و رسای این روز را به همه جهان گرفتند که کارگران بهار را برای انسان می آورند و آزادی از بوغ سرمایه داری را، این وظیفه کارگران است که جهان را بر اساس آزادی و سوسیالیسم، تازه و نو کنند. هر طبقه ای جنبشهای خود را دارد. اشراف جنبشهای خود را بر پایه سوسیالیسم دارند. و در آنها "حق" غارت کردن دهقانان را به خود میدهند. بورژوازی جنبشهای خود را دارد و در آنها "حق" استثمار کارگران توسط بورژوازی "توجیه" میشود. روحانیون نیز جنبشهای خود را دارند که در آنها اوضاع و سبب موجود یعنی مرگ زمینکنان در فقر و تنگدستی کامل و غلظت عده ای در غوغای رانی و عیاشی را ستود و مدح میکنند.

کارگران نیز میبایستی جشن خاص خود را داشته باشند. و در آن باید اعلام نمایند: کار آزادی، برابری عمومی همه انسانها... این جشن، جشن اول می است. این است آنچه که کارگران در سال ۱۸۸۹ مقرر داشتند.



۷- تهیه گاز خشک

استفاده از منابع زیرزمینی گازهای خشک با فشار متوسط حدود ۱۰۰۰ پوند و هر اینچ مربع بعد از گذشتن از یک لوله (شیرخشک کننده) در مودولهای شیبه و کوچک کاملاً عملی است و حتی بدون سربست هم کار میکند و جدا کردن مایعات سرد شده در سبزه‌آبهای نفت و یا گاز.

۸- تهیه گاز مایع

ایجاد سیستمی که از تانکهای ذخیره پروپان و بوتان بشدر ماهشبر برای تهیه ال بی جی به مقدار بیست هزار بشکه در روز استفاده بکنند کاملاً عملی و مقدر است.

۹- اتصال کارخانه گاز مایع ۱۰۰۰ به سیستم شرکت ملی گاز بید بلنسد و ایجاد پای یاس با ظرفیت زیاد در حوالی کپرسورهای شرکت گاز امکان مناسبی برای ارسال گاز خشک از منبع گاز بازانان در زانهای خیلی اضطراری شمال کشور خواهد بود و این طرح به علت وجود چاهها و شبکه جمع آوری گاز بازانان و استفاده از یکی از کارخانه های ۱۰۰۰ برای خشک کردن گاز خنج زیادی ندارد و از سال دیگر قابل اجراست. بعد از سه سال دیگر سیستم شاه لوله دم گاز هم که از منابع زیرزمینی گاز تغذیه میشود تولید مطمئن تری را در اختیار شرکت گاز بگذارد احتمال این دو سیستم بهمدیگر لازمست. بطور کلی اینجانب برای توسعه طرحهای بالا آماده ام.

با کمال احترام - علی گرامی
اداره گاز و گاز مایع

شرکت سهامی خاص خدمات نفت ایران
اهموا ز

از آن پس تا کنون فریاد رزم کارگران سوسیالیست در جمعاعات و تظاهراتها در اول می بلندتر و رساتر به صدا درآمده است. اقبالیستون جنبش کارگری بیشتر و بیشتر رشد میکنند. در کشورها و ولایات جدیدی از اروپا و آمریکا نسا آتیا، آفریقا و استرالیا گسترش می یابند. در طی فقط چند دهه اتحادیه سابق و ضعیف بیسن - المللی کارگران در رشد خود به برادری بیسن - المللی قوی و نیرومندی رسیده است که کنگره های معمولی بر پا داشته و میلیونها کارگر را در همه قسمتهای مختلف جهان متحد میسازد. دریای خشم پرولتاریا امواج سختی بخود دارد، و هرچه بیشتر و فاطنتر سنگهای متزلزل سرمایه داری را تهدید میکند. اعتصاب عظیم کارگران معدن که این اواخر در بریتانیای کبیر، آلمان، بلژیک، آمریکا و... در گرفت. و شورش بزرگی در قلبهای اشتراکگران و حکمرانان سراسر جهان بوجود آورد، نشانده رویشی از نزدیکی انقلاب سوسیالیستی می باشد...

ماگوساله طلایی را برپشت نمکنیم!
ما سلطه بورژوازی و ظالمان را زنی خواهیم!
سرگسر سرمایه داری و وحشت فقر، تنگدستی و خونریزی!

زنده باد سلطه کارگران!
زنده باد سوسیالیسم!
این است چیزی است که کارگران آگاه همه کشورها در این روز اعلام میدارند.

آنها با اطمینان به پیروزی، آرام و قوی، بسوی میمادگان سوسیالیسم پیروزمند، مفتخرانه راه پیمائی میکنند، گام به گام ندای کبیر کارل مارکس، کارگران سراسر جهان متحد شوئید! را پاسخ میگویند. این چنین است جشن اول می کارگران در کشورهای آزاد.

کارگران روسیه از آن هنگام که موقعیت خود را درک کردند، که نباید کند کند بدینال رفقای خود در آیند همیشه هم آواز با رفقای خارجی خود بوده و مشترک با آنها اولی علمیرغم منع وحشیانه از طرف حکومت تزاری این را جشن گرفته اند. فی الواقع در دو یا سه سال گذشته در خلال دوران عیاشی و مستی ضد انقلاب و بی نظمی و اخلاص در حربه انحطاط صنعت، بیملنگی سیاسی توده ها، کارگران روسیه قادر نبودند که جشن کارگری پیروزمند خود را برپا دارند. اما با تجدید شیبه فعالیتها می که این اواخر در کشور صورت گرفته است، اعتصابات اقتصادی و اعتراضات سیاسی کارگران در رابطه با آنها همراه با دادرسی نمایندگان سوسیالیست در دوما دوم، رشد ناراضی در میان افکار مختلف دهقانان به علت تحلی که تا کنون بیش از بیست منطقه را فرا گرفته و اعتراضات مدها هزار کارگر فرونگاها علیه سیستم "جیدید" محافظان کاران روسی، هنگی نشان دهنده پاسان بیحالی، رخوت و سستی، و جایگزینی تجدید حیات سیاسی کشور و مقدمات در میان پرولتاریا میباشد. این است علت آنکه امسال کارگران روسیه میتوانند و بایستی در این روز دست خود را بدست رفقای خارجی خود بدهند. و به همین علت آنها باید اول می را بهر طریق همراه با آنان جشن بگیرند.

آنها بایستی امروز رسماً به اطلاع عموم رسانده و تصریح نمایند که همیشه در کنار و همراه رفقای خود در کشورهای آزاد هستند. آنها گوساله طلایی را برپشت نکرده و نخواهند کرد. آنها بتلاوه خواست عمومی کارگران همه کشورها، باید خواست خود را برای سرنگونی تزاریسم و برقراری جمهوری دموکراتیک افسانه و اعلام دارند.

ما از استبداد و استعماری متفرو و سبازیم!
ما به شهدا افتخار میکنیم!
سرگسر تزاریسم خونخوار!
مرگ بر استعماری کارفرمایان در کارگاهها، کارخانهها و معادن! زمین برای دهقانان!
هشت ساعت کار روزانه برای کارگران! جمهوری دموکراتیک برای همه روسیه!
اینها نیز آنچه است که کارگران روسیه بایستی در این روز اعلام نمایند:

اینکه اکنون در برابر نیکی آخر لیبرالهای روسی خود و دیگران را اطمینان میدهند که تزاریسم خود را در روسیه شمشیت کرده و قادر به پاسخگویی احتیاجات اصولی و اولیه مردم است بخاک با بسند سپرده شود.

اینکه لیبرالهای روسی در همه حال از آزادی مرگ انقلاب را سر میدهند و سیستم "جیدید" را موعظه میکنند چیزی جز ربا، دورویی و فریب نیست. به اطراف بنگرید! آیا روسیه جنسیگ زد و شایسته کشور "نو" و "با حکومت" دارد؟ به عوض یک قانون اساسی دموکراتیک - یک رژیم - اعدام و ظلم و استبداد وحشیانه!

جای یک پارلمان خلقی، دوما سیاه ملاکسن ارتجاعی!

بموض "بی ریزی با بدار آزادیهای اجتماعی، بجای آزادی بیان، اجتماعات، مطبوعات، اتحادیهها، سازمانها و اعتصابات و بعهده داده شده توسط مانیفست ۱۷ اکتبر، دست مرده "احتیاط" و "جلوگیری"، بسن روزنامهها، تبخیم مدبران روزنامهها، توقیف اتحادیهها و حمله به جمعاعات!

بجای ممنوعیتهای فردی، کتک زدن در زندانها، شندی و تجاوز به هموطنان، جلوگیری خونین اعتصابات در مدان طلایی!

بموض پاسخگویی به احتیاجات دهقانان، سیاه ست هرچه بیشتر راندن تودههای دهقانی از زمین! بجای یک اداره "اجرائی منظم و دستورپذیر"، دزدی کارپردازان، دزدی در اداره مرکزی راه - هن، دزدی در اداره جنگلیاتی، دزدی در اداره نیروی دریائی!

به عوض نظام و دستور در ارگانهای حکومتی - جعل اسناد در دادگاهها، گوشگیری و باج سبیل گرفتن توسط ادارات با جوشی جنائی، قتل و تخریب ادارات پلیس محلی.

بجای عظمت بیمن المللی دولت روسیه، بورکستکی و تنگین "سیاست" روسیه در غاور دور و نزدیک و نقش فحاشی و غارتگری در امور ایران خونین!

بموض آسودگی خاطر و امنیت برای مردم - خودکشی در شهرها و وحشتگرستی میان سی ملبورهقان در نواحی روستائی!

بجای اطلاع و پاکسازی معنوی، زرگی باور و تکررندی در موعظهها، این سنگهای رسمی اخلاقی و معنوی!

و برای کامل کردن تصویر، شرباران وحشیانه مدهارنجبر در معادن طلایی لنا! ... هم اکنون این ویرانگران آزادیها، برپشتگان و ستابنگران چوبه های دار و جوجه شرباران، مغترعین "احتیاط" و "توقیف"، کارپردازان دزد مهندسی دزد پلیس را هن، پلیس محلی فحاش برآسودن تین های هرزه را در آغوش دارند، اینها هستند "نوگرایان" روسیه!

و هنوز موجودات افرادی در جهان که اسپن بشیرمی و گستاخی را دارند که بگویند همه چیز در روسیه خوب و انقلاب مرده است!

نه! رفقا، آتاشکده میلیونها دهقان رگر - سنگی میکنند و کارگران با خطر اعتصاب بخون کشیده میشوند انقلاب تا پاک کردن رسوائی و سنگ بشیری - تزاریسم روسی - از صفحه زمین زنده خواهد بود. و در این روز، اول مه، ما بایستی بهر طریق در میتینگها، اجتماعات توده ای یا در جمعاعات محلی - هر کدام که مقتضی است - بگوئیم که ما خود را در گرو جنگ برای سرنگونی کامل سلطنت تزاری گذاشته و انقلاب آینده، رسماً را رها ننشده روسیه (خوش آمد میگوئیم

بسی بگذارید که دستان خود را در دستهای رفقا، بمان در سراسر جهان گره کرده، اعلام داریم: سرگسر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

بگذار بپرچم انقلاب روسیه که این نوشته ها را حمل میکنند در امتداد تزاریسم: سرنگون باد سلطنت تزاری! برقرار باد جمهوری دموکراتیک!

رفقا! ما امروز اول مه را جشن میگیریم! زنده باد اول مه!

زنده باد سوسیال دموکراسی بین المللی!
زنده باد حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه!
کمیته مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه
کلیات آثار، حلد دوم
آوریل ۱۹۱۲

مقدمه :

در شماره های قبل در باره چگونگی شکل گیری توده های مردم بصورت ملت و علل پیدایش جنبش های ملیتی نقش و رنات آن مختصرا بحث نموده و راجع به موضوع برنامه ، مشی دمکراتیکم پیگیر در قبال ملتیتها سخن گفتیم . در این شماره میخواهم بدانیم که بورژوازی در اینمورد چه نقش ایفا میکند و برغورد آن نسبت به مسئله خلقها چگونه است و آیا توان آنرا دارد که بتواند در شرایط خاص کنونی موقع گیری انقلابی اتخاذ نموده و خلقها را در صفوف متحد و بهم فشرده در جهت ادامه و پیگیری انقلاب تا تأمین پیروزی نهائی بر امپریالیسم هادایت کند ؟ دیدگاه و نقطه نظرای بورژوازی را نسبت به "ملت" بشناسیم و ...

پسنگام بررسی نقش و موقع بورژوازی در قبال مسئله ملی در شرایط مشخص کشور خودمان که توده های مردم آن از یک ملت واحد نظیر فرانسه ، بلکه ترکیبی از ملتیتها مختلف میباشد ، با مستی بین بورژوازی بزرگ حاکم و بورژوازی ملتیتها تحت ستم فرق قائل شد .

بدین معنی که اگر چه ناسیونالیسم چه متعلق به ملت بزرگ و ستم گر و چه متعلق به ملتیتها کوچک و ستم دیده باشد ، متشابه طبقاتی مشترکی داشته ، محصول دوران سرما به داری می باشد ، ولی ناسیونالیسم ملت بزرگ متشکر با ناسیونالیسم ملت کوچک تحت ستم تفاوت دارد . ملت بزرگ میخواهد ناسیونالیسم خود را ملتیتهای کوچک تحمیل کند و آنها را به اطاعت اجباری از خود وادارد . بهمین جهت ناسیونالیسم ملتیتها کوچک را در نظر نمیگیرد و نسبت به آنها نسبت ملی را روا میدارد . این عمل ، احساسات ملتیتها کوچک را برانگیخته و به موقع گیری در برابر ملت بزرگ متشکر و دفاع از غرور ملی خود میگذارد . سیاست های بورژوازی در برخورد با این مسئله باعث میشود که توده های نا آگاه ملتیتها ی کوچک و ملت بزرگ به مفارقتی در مقابل هم نتوانند ، و بجای تحکیم اتحاد و همبستگی برای مبارزه متحدانه جهت سرنگونی و نابودی کامل سلطه بیگانه و ستروا متشکر افراد از فرد ، به جدائی از همدیگر و حتی کین و نفرت نسبت بهم سوق داده میشوند . در این موقعیت توده های زمینکن تحت تاثیر شدید اندیشه های مسموم ناسیونالیستی بورژوازی قرار میگیرند و به این طریق راه برای اجرای سیاست های فاسد مردمی بورژوازی باز میشود .

طبقه کارگر که برای نابودی کامل هرگونه ستم و استثمار فرد از فرد مبارزه میکند ، برای رهائی خود و تمامی دستگزاران معرانه و قاطعانه خواهان رفع هرگونه ستروا و خنله ستم ملی در هر شکل و در هر قالب میباشد و از این رو از مبارزات ملی ملت کوچک در برابر ناسیونالیسم متشکر ملت غالب ، مادامیکه این مبارزات ملی جنبه مبارزه بر علیه متشکر و زور گوئی داشته یعنی فاقدانته باشد ، مادامیکه این مبارزه ملی جنبه دمکراتیک و عد امپریالیستی داشته و تحت تاثیر اندیشه های ارتجاعی ناسیونالیستی مسموم نشده باشد ، دفاع و پشتیبانی میکند . ولی همانطور که در قبل نیز در باره چگونگی این دفاع و برنامه مشی دمکراتیکم پیگیر سخن گفتیم بزرگترین راز این نوع خواست دمکراتیک از جمله آزادی از بند ستم ملی را برای رسیدن به اهداف دوران ساز خود طرح میکند .

حال ببینیم برخورد بورژوازی با مسئله ملی چگونه است .

قبل از بررسی مترواح قضیه لازم است نکات زیر را مورد توجه قرار دهیم :

اولا ، بورژوازی حاکم که با سازش بورژوازی لیبرال با بخشی از بورژوازی وابسته و اختلاف با خرده بورژوازی مرفه ، نتیجه قیام شکوهمند سلطانه توده ها و مبارزات انقلابی آنان را به نایب نمیکرد و خود را " مدافع " ایران واحد یعنی ایرانی که از همه جبهات بی چون وچرا در اختیار ارغای تمایلات او باشد می نامد بطرز بی نهایت پذیر منل دارد باز داخلی سراسری و وسیع قلبی را برای فروش کالاها و رشد بی وقفه خود به بهای استثمار توده ها و تحمیل سیاستهای فارتکارانه اش همچنان حفظ نماید . این تمایل و این طغیان بورژوازی حاکم را به موقع گیری خودیختی و متشکرانه نسبت به ملتیتها ی ایران سوق میدهد . (در اینجا وقتی از بورژوازی حاکم حرف میزنیم ، منظورمان رژیم سیاسی موجود و جهت اصلی حرکت آن میباشد که در چارچوب تأمین منافع بقصدی از سرمایه داران وابسته قدیم و بورژوازی تازه بسفدرت رسیده در پوشش منافع ملت بزرگ و غالب فارس و منطق با فرهنگ و زبان وی قرار دارد و الزاما ضروری نیست

که کلیه عناصر این سیستم از فارسها باشد و امکان دارد عناصری نیز از بورژوازی ملتیتها تحت ستم در قدرت حاکم نقش داشته باشد . ولی در این حالت این منصر به هیچوجه نماینده منافع بورژوازی ملتیتها تحت ستم نبوده ، تبعی در ماهیت سیستم و جهت حرکت آن نمی دهد و او نیز در این سیستم فقط و فقط در مقام نماینده بورژوازی حاکم انجام وظیفه میکند .)

درباره مسئله ملی (۳) موضوع بورژوازی در قبال مسئله ملی

نسیونالیسم بزرگ متشکر با نسیونالیسم ملت کوچک تحت ستم تفاوت دارد

" وحدت کشور " از نظر بورژوازی حاکم یعنی در جنگ گرفتن با سراسری داخلی

تائیا : در مگر جافره که دولتهای " آزاد " سرمایه داری قریب ۱۸ و ۱۹ جای خود را بدولتهای امپریالیستی با شبکه های وسیع و ملایم انحصاری و فارتکار داده و در قالب مناسبات امپریالیستی بوع اسارت و بهره کشی را بر گردن کشورهای تحت سلطه از قبیل کشور خودمان افکنده اند ، تشکیل دولتهای مستقل و ملی فقط و فقط با قطع سلطه نفوذ امپریالیسم ممکن میگردد . به همین جهت اگر بورژوازی را بخواید به خواست منافع طبقاتی خود مبتنی بر ایجاد دولتهای مستقل و ملی برای ایجاد بازار داخلی جامعه عمل بیوفانند ناچارا میبایست رویبازی سرمایه امپریالیستی قرار گیرد و با آن دست و پنجه نرم کند . اما بورژوازی " خودی " در ممر گندمگی و احتکار سرمایه به داری با برای مبارزه با امپریالیسم ، پدر مقدس و بزرگ خانواده خود نیست . از اینجو بورژوازی در ممر حاضر در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم نمیتواند همچون بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹ در مقام بر علیه نفوذ امپریالیسم مشرفی ، پیشرو ، با قدرت و پرچم دار بود ، عمل نماید و در ایجاد دولتهای مستقل و ملی عاجز ، متزلزل ، سا پیگیر و ناخوان است . ما این واقعیت را مثل روز روشن ، با وقوع و عریان تمام ، در سیاستها و عملکردهای بورژوازی حاکم خودمان بطور مداوم مشاهده میاوریم . میدانیم که بورژوازی لیبرال ایران که اکنون بسفدرت سیاسی دست یافته است (البته با همیاری ومدد خرده - بورژوازی مرفه و ساری با بخش منقلب سرمایه داری بزرگ وابسته) نه از درون یک پیرو سرمایه داری ستم بر علیه مناسبات کن نفوذی و کلا مناسبات ماقبل سرمایه داری ، نه از درون یک مبارزه مداوم ، بر علیه رژیم سلطنتی و سلطه امپریالیسم ، بلکه بعکس بر زمینه یک تلاش لاینقطع برای بهیاری و بهیست گناختن مبارزات انقلابی توده ها که در ستم حال انجام وظیفه نمود یعنی سرنگونی کامل سرمایه داری وابسته و نابودی هرگونه نفوذ و سلطه امپریالیسم و تشکیل دولت مستقل و ملی به اتکا قدرت مردم است ، و بر زمین فغف و نبود هر چیزی انقلابی - توده ای ، و مفکاکهای و شکل توده های سریر قدرت قرار گرفته است . حاکمیت بورژوازی از یک موقع قدرت (همچون بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹) نبوده بلکه بعکس از موقع ضعف و ناتوانی است و بدین جهت و برای حفظ قدرت سیاسی خویش ناچار است در متوقف ساختن هر چه سربمتر انقلاب و تحکیم هر چه زودتر موقعیت خود بتلاش مذمومانه ای دست بزند و پیش از پیش دست بدامن عناصر فاسدمردمی و شیوه های ارتجاعی سابق دراز کند . وی مجبور است برای حفظ بقای خود اگر بتواند و رادیکالیزم جنبش نیز به وی اجازه دهد ، بهمان شیوه سابق عمل نماید . یعنی اگر بورژوازی قرن ۱۸ و ۱۹ در مختاری فرهنگساز یعنی آزادی موری در زبان و فرهنگ را برسمیت میشناخت ولی با خود مختاری ارغی مخالفت نموده ، ملتخوارا در اسارت اقتصادی (و در حقیقت اسارت فرهنگی نیز) نگه میداشت ، امروزه تزلزل و سازش کاری بورژوازی لیبرال ما بر آن وامیدارد که حتی این خود مختاری موری را نیز قبول نکند . همین امر بر جنبه ارتجاعی و خودیختی سیاست و عملکرد او در قبال مسئله ملی می افزاید .

تالنا : بورژوازی در مناطقی که اقلیتها ی ملی ساکن هستند بعلت اینکه :

۱ - در این مناطق کم و بیش مناسبات کن ماقبل سرمایه داری باقی مانده اند و رشد بورژوازی سبب رشد مناسبات نوین سرمایه داری میگردد که بمراتب متفرقی تراز مناسبات قدیمی بوده به رشد نرزهایی مولده ولایم رشد آگاهی و شکل توده ها کمک شایانی میکند .

۲ - بورژوازی نیز به همراه توده ها و البته نه به اندازه آنها ، تحت فشار دولت مرکزی قرار دارد ، دارای جایگاه مترقیتری بوده ، جنبه های ملی بیشتر دارد و از اینرو نیز تمایل بیشتری برای احقاق حقوق ملی دارا میباشد . مشی دمکراتیکم پیگیر از بورژوازی ملتیتها ی کوچک بدلائل فوق پشتیبانی مشروط میکند . بدین معنی که این پشتیبانی تا زمانی ادامه دارد که مبارزات بورژوازی جلوه های عد امپریالیستی داشته ، به متعلق حقوق ملی خلقها کمک رساند .

ا- بورژوازی حاکم

" اگر منظور، تجربه طلسمی و از از بین رفتن وحدت کشور است بهیچوجه قابل قبول نیست ، ولی اگر خود مختاری ، داشتن اختیار و مسئول بودن در امور محلی است ، حتی پیش از قانون اساسی قدیمی ایالتی و ولایتی که منظور گردیده ، مورد قبول و پذیرش است ، البته خود مختاری اختصاصی به یک محل نخواهد داشت و برای همه نقاط کشور است . (کهجا - ۱۵ فروردین ص ۳ - نطق نخست وزیر دولت موقت)

این کل برداشت بورژوازی حاکم را از مسئله خلقها و خود مختاری نشان می دهد . در اینجا منظور بورژوازی از وحدت ، آن وحدتی است که بازار داخلی و سراسری را که منبع سرشار سود و سرچشمه سوداگری های پر بار و غنی برای وی باشد ، به ارشاف آن آورد . بازار که هر چه وسیع تر و هر چه سریع تر کالاها ی وی را جهت فروش به اقمی نقاط کشورمان برساند ، بورژوازی فقط و فقط به بازاریماند - بشود ترسوی او " از بین رفتن وحدت " در واقع ترس از دست دادن بازار داخلی و سراسری است .

" بران واحد " و " وحدت " برای او نه اتحاد آزادانه و برادرانه خلقها برای بنای ایران آزاد و دموکراتیک و تأمین واقعی حقوق خلقها بلکه فقط در اطاعت خلقها از حکومت مرکزی بمنظور تأمین شام قدرت سراسری بورژوازی ، برای حفظ بازار داخلی و سراسری ، (به هر نحوی که باشد) ، معنی میدهد .

میل سیری نا پذیر برای دست یابی به بازاری هر چه وسیعتر جلو دیدگان بورژوازی را گرفته و قدرت اندیشه درست را از وی سلب کرده است و بوی امکان نمی دهد تمایل و تیربینه و همبستگی ملتیتها را برای احقاق حقوق ملی خویش و نابودی ستمگری و برتری در برابر ، در نظر وی هرگونه عملی و هرگونه خواستی که بخواد هبه " وحدت کشور " یعنی بازار سراسری و منافع وسیع وی غشه و اردسا زد ، در حکم تشطی از مقدسات پاک بورژوازی بوده ، و نمی تواند موافق حرکت انقلاب و مصالح میهن باشد " بهیچوجه قابل قبول نیست " . از نظر بورژوازی ، مبارزه خلقها برای احقاق حقوق ملی خود به خواست ما ملاتنه ، طبیعی و جز جدایی نا پذیر انقلاب دموکراتیک و غذا امپریالیستی بلکه چون به خواست شما می قدرت برای او و " وحدت " بازار داخلی و سراسری وی لطمه وارد نمی کند ، بورژوازی آنرا حرکتی " فدا نقلی " می خواند و برای " نجات میهن " به سرکوب آن می پردازد . بر این مشی می بینیم که بورژوازی لیبرال علاوه بر اینکه نمی تواند حق ملی را در شصین درصد خویش قبول کند ، علاوه بر اینکه نمی تواند مدینه خود مختاری و حق تعیین سرنوشت خلقها و دادن زمین به دهقان را بهیضا به دنیا شرط داده ، انقلاب و تحکیم " وحدت " واقعی کشور را نیز عمل بیوفانند ، بلکه حتی فکر چنین اعمالی را نیز نمیتواند به خیل خود راه دهد . نمی تواند درک کند چگونه در طول ۵۷ سال خلقهای ایران ستم و استثمار مفاغلی را تحمل نموده اند ، چگونه بعنوان مثال خلق عرب در سزمین مادریش ، در سزمین کن متشکر و توشه ای میگردان است به خاطر عرب بودن در وقت با ترسین و سخت ترین شرایط زندگی بدتر از مرگ را از سر می گذارند و شدیدترین تعدیات و توهین ها را به فرور ملی خود تحمل میکند .

در قلموس بورژوازی " کرد و فارس " فرقی ندارند ، همه ایرانی هستند و می بایست تحت یک حکومت واحد و آنها هم حکومت بورژوازی زندگی کنند . بهمین جهت هم " خود مختاری اختصاصی به یک محل نخواهد داشت و برای همه نقاط کشور است " . بازار داخلی و سراسری مانند غوره بجان بورژوازی ای فائده و قدرت اندیشیدن را از وی گرفته است . او نمی تواند درک کند که کردها ، بلوچها ، عربها ، ... هر کدام برای خود یک " ملت " خاص و جداگانه ای را تشکیل میدهند و سالیهای سال تحت ستم ملی ، فشار و مفاغلی را بر دوش خود کشیده اند و اکنون برای اینکه بتوانند از این فشار و استثمار مفاغله رهاشی ببینند کنند می بایست با تالانی همه چاشنه به جبران عقب ماندگی و ریشه کن ساختن مناسبات کن اقدام کنند و ماسی زری اقتصادی نوین و باشند و تکامل آزاد زبان و فرهنگ ملتشان خود را بصورت یک ملت کامل و آزاد در آورده و

دست ناپاک "قیاده موقت" از کردستان کوتاه!

باند " قیاده موقت " دست مرتجعین مطعی، با ترور و ارباب، روستا نشینان کرد را بختک آورده اند. این میکربهای ویرانگر، که در فاجعه نهده نسیم، بخوبی از عمده وظایف خدا نطالی خود بر آمدند، به پشتیبانی عناصر مرتجع، از جمله علامه مفتی زاده، چندی است که عملیات ابدائی بر علیه خلق کرد برآه انداخته اند.

شکواشیه زیر که به امضا و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان " اتحادیه دهقانان مریوان و هورامان " رسیده است، نمایانگر گوشه‌ای از اعمال ضد انقلابی این دار و دسته مزدور میباشد:

نمودند که اکنون در بستر است و حالش بسیار وخیم است در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ در قهوه خانه " بیه‌کدره " بین جاده مریوان - سنجد با داشتن اسلحه و مهمات و مستقر نمودن مسلح روی ماشین به باربد ماشین‌ها و مزاحمت مردم مشغول شدند. از جمله مدهای از دهقانان وابسته به " به کیه تی جوتباران " را گرفته و از میان آنها خطاب بیگ‌نفر به اسم " ظاهر رستمی " ساکن قریه " الیانه " گفتند که: تو را میکشیم و تنگت را میبریم و ضمن تهدید افراد " قیاده موقت " اظهار نمودند که ما به دستور احمد مفتی زاده ماور تعقیب و آزار کسانسی هستیم، و آنها همچنین در همین روز در اخیر کسانسی زباید را در آبادیهای مختلف تهدید به مرگ نموده اند از آن شور ای محترم خواستاریم در اسرع وقت اقدام فوری نموده افراد قیاده موقت، که ما هیشتا بر همگی معلوم و روشن است، عاگ ما را ترک کنند و همچنین به کسانسی که به آنها کمک میکنند و مدام در تماس با آنها هستند، اخطار نماید که دست از اعمال رقت‌خود بکشند. در غیر اینصورت ما " به کیه تی جوتباران " خود ملامت اقدام لازم را خواهیم کرد.

شورای انقلاب اسلامی مریوان ۵۸/۱/۲۲

محترما اینجانبان نمایندگان " به کیه تی جوتباران " مریوان، به هورامان " متشکل از ۳۰ آبادی عمروی میداریم: همچنان که میدانید قیاده موقت با جیره - خواران شاه سابق و وابسته های اویسی و پالیزبان در تاریخ ۵۸/۱/۱۳ در آبادی " وله زبر " در نفر معلم به اسمی " مدالله نودینان " و " حامیون گداگر " را گرفته و بعد از ایجاد مزاحمت و کتک کاری و توهین و تهدید با دخالت مردم آبادی آنها را مرغی کردند. در همانجا اظهار داشتند که " لیستی در اختیار داریم که باید همه اینها را نابود کنیم ". در تاریخ ۵۸/۱/۱۹ دور آبادی " کورگه ای " را محاصره و به مردم آبادی توهین های ناشایستی نمودند. بعد از تهدید آنها و باز دیدن " رشید نوروزی " نام، همان ابراهامی را که در قریه " وله زبر " نموده بودند تکرار میمانند. و در بارگشت رشید نوروزی را گرفته چنان او را اذیت و کتک کاری

* به کیه تی جوتباران مه ربوان وهورامان *

امضا و گواهی ۴۴ نفر از نمایندگان " به کیه تی جوتباران " مریوان وهورامان

* اتحادیه دهقانان مریوان و هورامان * روستا نشینان روستاشینان

مبارزات حق طلبانه ملت ایران توانست رژیم طاغوتی و ضد مردمی پهلوی را سرنگون نماید ولی وابستگی مایه دولت های استعاری باقی مانده، بطوریکه مجبوریم بسیاری از نیازهای کشاورزی و صنعتی خود را از کشورهای خارجی وارد کنیم. همانطوریکه دولت موقت جمهوری اسلامی اعلام نموده که طرحهای عمرانی را باید از بیجاها آغاز نمود. به همین دلیل ما روستا نشینان قریه " تودک " خواستهای عاجل خود را بگوشه هگان می رسانیم و از دولت موقت خواستاریم هرچه زود تر در راه به انجام رسانند این خواستها با خود باری ما اقدام لازم را معمول دارد:

- ۱- باید تمام مسائل ده در شورای دهقانی که از نمایندگان واقعی خود دهقانان تشکیل میشود حل و فصل گردد.
- ۲- مراعاتی که از عوامل رژیم سابق استرداد شده متعلق به عموم روستا نشینان است و هیچ کس بغیر از اهالی این روستا حق شلک بر آنها نخواهد داشت.
- ۳- پاسگاههای زاندا زمری و دیگر ادارات زیر نظر شورا باید کار کنند.
- ۴- گسترش تولید کشاورزی از طریق در اختیار گذاردن ماشین های کشاورزی بطور رایگان و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی.
- ۵- تا مین برق (با توجه باینکه خط انتقال برق از فاصله ۵۰۰ متری آبادی میگردد)
- ۶- ایجاد راه سه کیلومتری " تودک " به جاده اسفالت
- ۷- تفصیر حمام خزینه به دوش.
- ۸- تاسیس مدرسه و کتابخانه که زمین و قسمتی از اعتبار آن تا مین شده است.
- ۹- دادن وسایلی دراز مدت و بی بهره به کشاورزان زیر نظر شورا جهت گسترش تولید کشاورزی.
- ۱۰- لنگو کلیه قرض های دهقانان به شرکت های شامتی و بانکهای کشاورزی و غیره.

از طرف اهالی قریه " تودک " ناکتان

از مطبوعات متعهد پشتیبانی کنیم!

آنچه در روز ۲۱ اردیبهشت در رابطه با اطلاعیه "دفتر امام " برای مطبوعات پیش آمد چیزی نبود جز اقدامات تجاوزات مکرر قلبی به حریم آزادی، که بارها از جانب تمام نیروهای دمکرات و خدا میپایا لیست نسبت به خطرات و عواقب آن تذکر و هشدار داده شده بود. هر میسارز مدیعی که در شرایط کنونی، خطر طوطه های امپریالیسم و ارتجاع و اهمیت چگونگی تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی و... را درک کنند، بخوبی بمقام و نقش مطبوعات متعهد، در روشن سازی افکار عمومی و توفیق بررسی مسائل حیاتی توده ها آگاه است. در چنین شرایطی بوجود آوردن زمینه هایی که منجر به تعطیل مطبوعات متعهد نظیر ایندگان گردیده است در خدمت منافع خلق قرار نمیگیرد، بلکه دستاویز مناسبات استبداد مرتجعین و تمام بداندیشان و طوطه گرانی که میکوشند با سوء استفاده از چنین موقعیتهایی و با کتیکه برنات آگاهی توده ها فریسات اصلی خود را بر پیگیر دمکراسی مردمی فرود آورند. بسی دلیل نیست که بلافاصله پس از اطلاعیه "دفتر امام " که در آن نسبتا درست و بطور غیر منتظرانه یک مقاله را وسیله بیانیه جوشی قرار داده است آنچنان شرایط خلقان را عاریسای برای روزنامه های متعهد و نویسندگان مسئول آن بوجود میاید که در آن ادامه کار برای آنان عملا ناممکن میگردد. ما ضمن محکوم نمودن چنین تجاوزی به حریم آزادی و دمکراسی که با خون توده های ستم دیده، مسا و از راه مبارزات پیگیر آنان بدست آمده است اعلام میکنیم که بوجود آمدن چنین شرایطی رنگ خطرناک است برای تمام کسانی که نسبت به آزادی و استقلال میهن دل میوزانند و قبل از همه وظیفه نیروهای دمکرات و فد امپریالیست است که در مقابله با چنین وضعیتی از مجاهدت پیگیرانه، غافل نگردند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸ / ۲ / ۲۲

جداشی و تجزیه طلبی را می طلبد. نغمه سرایش های " میهن پرستانه " وی اساس در جهت جدا شدن توده های این مناطق از تمامی خلقهای ایران و فاسد ساختن آنها با ابده های ناسیونالیستی میباشد و مالا در خدمت تضعیف و برانگیز ساختن بولوتاریا و صفوف متحد خلقها و نفوذ عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم قرار میگردد. از اینرو میبایستی با بروز آوری تحت ستم بطرز دقیقی رفتار نمود، طوریکه اولوا از او بعنوان یک شیخ کسلا تا پیگیر برای رشد جنبش های ملی استفاده کرد در عین اینکه مداوما سازگاری، ناپیگیری، خطی غیانتش به خلقها و اقدامش در جهت جدا ساختن آنها از همدیگر را افشا و طرد نمود.

ادامه دارد

سرزمین خویش را بصورت یک واحد " اقتصادی و فرهنگی " زنده و همگونی میداد سازند. و بدین ترتیب آهنگ رشد همه جانبه ایران را سرمیرست ساخته، اتحاد خلق ناپذیر خلقها را ممکن گردانند.

آری، اندیشه کسب سود و غارت مردم نمی گذارد بورژوازی این بدبختها ترا بفهمد و او را در تار و پود سیونالیسم تنگ نظرانه و ارتجاعی و بسامت محبوس تر شوونیتی، به بند کشیده است.

اما بورژوازی با این کار خود فقط بخودش نیست که خیانت میکند بلکه با اشاعه اندیشه های شوونیتی در قالب " نجات میهن " و " نجات انقلاب " بخیا نت خود دامنش و سمیتری بخشد، توده ها را نیز فاسد میگردد. او با این کار خود خلقهای ایران را از هم جدا کرده، در مقابل هم قرار میدهد. او به توده های مردم چنین تلقین میکند که گویا خلقهایی که برای تا مین حقوق ملی خود میسارزه میکنند، آلت دست اجنسی هستند و میخواهند ایران را دچار تحزیه و انقلاب و مواجه با شکست گردانند و بدین ترتیب تخم کین و نفرت را نسبت به ملت و وطن برشوروی و جوشی و طغیانی را در میان توده های فارس میباشند. او خلقها را به جنگ برادر کشی می کشاند که بجای کسک به نابودی کامل سطح و نفوذ امپریالیسم، ممکن موف مردم را برانگیزد ساخته و از پیروزی قطعی و کامل انقلاب جلو میگردد.

ما تمامی این نموده ها درسیاستها و عملکردهای دولت در طی دوران پس از سرنگونی رژیم مزدور سلطنتی شاهد بوده ایم. بورژوازی لیبرال همواره در برابر جنبشهای ملی کوششها را کرده و خواسته است آنها را ارتجاعی و تحفظه نماید. و خود مختاری محدودی هم که بورژوازی لیبرال بدان تن داده است تنها در نتیجه فشار توده ها و اوج بی سابقه جنبشهای ملی بوده است.

افتخار و بزرگو رسد ملی

در این میان روش و عمل خرده بورژوازی که نقش عمده ای در سیستم حکومتی دارد در اساس و در سرفطهای مهم آن بطور کامل متطبق بر سیاستهای بورژوازی لیبرال و در تا شید و پشتیبانی قاطع از آن بوده است.

امروزه شامی تلاشهای رهبران خرده بورژوازی صرف توجیه و تا شید سیاستهای شوونیتی دولت و دعوت مردم به پشتیبانی از آن گردیده است. اگرچه خرده بورژوازی بعلت نفارت مواقع طبقاتی و شما پلاتش با بورژوازی لیبرال در زمینه های مختلفی موشغول میگردد و ادبکالی اشفا میکند ولی در این مورد خاص بعلت پندار با فی که نسبت به نقش طبقات و دولت در جامعه و ماهیت دوگانه و سازش طبقه نشین، از طرف دیگر، درست بجای پای بورژوازی لیبرال میگردد.

۲-۲- بورژوازی میبایستی تحت ستم

بورژوازی ملتبخشی تحت ستم بعلت عقب ماندگی اقتصادی این مناطق عمدتاً بصورت بورژوازی تجاری (خرده - بورژوازی مرفه) عرض اندام میکند. این بورژوازی برای رشد و ترقی خود احتیاج به بازار داخلی دارد و میبایست سیاستهای شوونیتی سابق که هرگونه امکان رشدی را از آنها طلب نموده، و اقداماتشان را در جهت رشد آزاد سرمایه ملی با شکست روبرو میساخت از بین ببرند. (a) او برای رسیدن چنین هدفی مجبور است از یکسو در مقابل رژیم و نیروهای سرکوبگرش قرار گیرد که در حال حاضر تحت فشار توده ها تا حدی منافعش را تا مین می نماید و از سوی دیگر در مقابل نفوذ آنها قرار میگردد که بشا سه منافع طبقاتی نشان میبخشند و او را به روال سابق خود حفظ نمایند. برای انجام چنین کاری او ناچار است به نیروی لیبرال توده ها که در این مناطق اکثریت دهقانان تشکیل میشود، رو می آورد. اما ترس بورژوازی ز توده ها از یک طرف و عدم توانایشش در مبارزه با بورژوازی حاکم، او را در این امر متزلزل و ناپیگیر میسازد. از این رو بورژوازی در معاف ملی خود در صورت ضعف نیروهای دمکرات و پیگیر، با بداندان نفوذ آنها و عناصر ارتجاعی اغتاده، درصفت آنها قرار خواهد گرفت و باینکه بر سر میز سازش و معامله با بورژوازی حاکم برای تقسیم بازار و تقابله وضع موجود خواهد نشست. بورژوازی راسر - شوونتی جز این نیست. از طرفی باید توجه داشته باشیم که ناسیونالیسم بورژوازی تحت ستم تنها در جهت ایجاد بازار داخلی و مستقل در چهارچوب حدود مرزهای ملی می باشد و بدین جهت خود مختاری بورژوازی در اساس خود

(b) - از اینرو او در اصل خواهان خود مختاری، منتها با استخفاف بورژوازی است.

مبارزه سازمان یافته خلق عمان از سال ۱۹۶۶ شروع شد دولت موقت و جنایات ارتش مزدور شاه و در عمان

۱۳۴۰) البته هدف مستقیم حفظ منابع فائزنگران نفت و امنیت آبراههای خلیج و تنگه هرمز نیز در اینجا وجود داشت. در واقع عامل داخلی یعنی تضاد های اجتماعی و راجحگیری انقلاب از یکطرف و عامل خارجی یعنی نیازهای امپریالیستی از طرف دیگر، این تغییرات را موجب شدند. با رژیم جدید وضع زندگی اجتماعی اندکی تغییر کرد و بتدریج مناسبات تازه ای حکمفرما گردید. یکی از هدفهای این تغییرات خشکاندن زمینه مناسب بود که برای انقلاب در آن مرحله وجود داشت. برخی اصلاحات سطحی (مثلا فرهنگي، بهداشتی (۰۰۰) وغالبا در شهرها صورت گرفت، کالاهای مصرفی رواج یافت، کارگاه های بتدریج دایر گردید و از طرف سرمایه داران خارجی سرمایه گذاریهای در زمینه نفت و برخی صنایع ضروری انجام شد. از سوی دیگر این "اصلاحات" با سرکوب و محاصره نیروهای انقلابی همراه بود. در رابطه با تحولاتی که در رژیم عمان صورت گرفته بود، نکته جالبه برنامه عملی جدیدی مطرح کرد و نام خود را هم به

پس از مدتها که از سقوط رژیم شاه خائن میگذرد، در هفته گذشته هیئت از انقلابیون عمانی از ایران دیدار کوتاهی بعمل آوردند. از آمدن آنها کسی خبر نشد و تنها در چند سطر کوتاه خبر ملاقاتشان با آیت الله خمینی و سپس عزیمتشان از ایران اعلام گردید. خلق قهرمان عمان از قربانیان رژیم ضد انقلابی شاه است و سندی از جنایات ارتش شاه را - که عبارت بود از یک امر خلیان بنام علی محمد اشرفیان که برای آدمکشی به ظفار اعزام شده و در اسبارت انقلابیون افتاده بود - هیئت عمانی با خود به ایران آوردند و آنها به مقامات مسئول تحویل دادند. انقلابیون عمانی همواره صمیمانه ترین روابط انقلابی را با خلقهای مبارز ایران داشته اند و اکنون که توده های خلق ما مبارزات دلیرانه خود توانسته اند کابوس رژیم شاه را نه تنها از ایران بلکه از تمامی منطقه محو کنند، موضع مقامات رسمی کشور ما - که ادعای انقلابی بودن دارند - چیست؟! ما اینگونه برخوردیم با نیروهای انقلابی منطقه را جدا از سیاستهای حاکم دنیایم و آنها را خلاف اهداف انقلابی توده های مستعبد و مبارزان آزادیی کرده ادامه چنین سیاستی را شرم آور و زبانبخش به انقلاب خلقمان میدانیم و آنها را محکوم میکنیم. همین مناسبت و در احترام و آدای دین به خلق برادر و مبارزی که در گرشای دیگر از این منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع مبارزه کرده و همچنان سرسختانه مبارزه میکند و به منظور آنکه هیولتان مبارز ما خلق عمان و مبارزه عادلانه او را بهتر بشناسند صفحاتی از این نشریه را به انقلاب عمان اختصاص میدهم.

انقلاب ایران در برابر خلق قهرمان عمان سؤال است

جهبه خلق برای آزادی عمان * تغییر داد. دشمن به نظر ر مبارزه با انقلاب و سرکوب آن از یکطرف - همانطور که اشاره کردیم - به یک سوی اقدامات اصلاح طلبانه نسبی دست زد و از لحاظ سیاسی و تبلیغاتی هم منظور که شیوه همه مرتجعین است کوشید با مارک کمونیست بودن و بی خدا بودن، مردم بیخبر و ناآگاه را نسبت به اهداف انقلابیون بدگمان نماید و از طرف دیگر تهاجم نظامی شدید علیه نیروهای انقلاب بود - در منطقه جنوبی عمان (ظفار) آغاز گردید.

برای همگان پیدا شد آنرا "جهبه خلق برای آزادی خلیج عربی اشغال شده" نمایندند.

خطر انقلاب عمان برای منافع امپریالیسم و ارتجاع

در ادامه مبارزه چه در پهنه سیاسی و چه نظامی جهبه مزبور تکامل پیدا کرد و نبرد انقلابی خلق عمق و گسترش روز - افزونی یافت بطوریکه هدفهای جهبه در مبارزه ضد امپریالیسم و ارتجاعی ضد ایجاد تئوریک و عملی شخصیت ستری بخود گرفت. نیروهای بیشتری را بسوی خود جذب کرد و مبارزه مسلحانه هم از چهارچوب منطقه کوهستانی ظفار خارج شده به شهرهای داخلی عمان رسید. در آنزمان هدفهای اساسی جهبه در مبارزه با استعمار انگلیس در عمان و خلیج عبارت بود از: مبارزه با حاکمیت دست نشاندهگان استعمار انگلیس، مبارزه با فقر و محرومیت کم - نظیر مردم، مبارزه با جعل و عقب ماندگی، مبارزه در راه وحدت ارضی عمان که در آنزمان (هفتاد و هفت) در زیر سلطه روسای قبایل و شیخ دست نشانده دچار فقر و تجزیه بود. و مبارزه در راه رفاهتی خلق عمان از دربار عقب ماندگی ناحش اقتصادی. بعنوان نمونه در برخی مناطق (مثلا جنوب) سیستم ما قبل فئودالی شکل سلطه سیستم اقتصادی بود. عمان تنها یکی در مدرسه ابتدائی داشته که آنهم ویژه فرزندان شیخ قبایل و وابستگان به استعمارگران انگلیس بود، از بهداشت هیچ خبری نبود. حاکم عمان که در آن زمان سلطان سعید بن تیمور نام داشت حتی پوشیدن کفش و اصلاح صورت را ممنوع کرده بود. در چنین جامعه ای که در زیر تازیانه فقر و عقب ماندگی و ستم استعماری کید و مکتبه شده و ثروت های طبیعی آن بخاطر رفقه توده خلق بیاخت و دست خالی با انقلابی و رزینده ای که در آنسوی خلیج و در منتهی الیه جنوب شرقی شبه جزیره عربی و سالهاست که با امپریالیسم و ارتجاع میزبند خلق قهرمان عمان است. رهبری مبارزات دلبار و دلیرانه این خلق را جهبه خلق برای آزادی عمان عهده دارد.



ارتش شاه صحنه جایی در عمان مبارز آوردم

در این تهاجم نظامی که بتدریج گسترده تر و وحشیانه تر گردید غیر از ارتش استعماری انگلیس، بزرگان ارتش قاپوس، ارتش شاه خائن و نیز گردانهای ارتش ضد خلقی اردن نیز شرکت داشتند. ستم ارتش شاه در میان اقزبیه نقش بردار بود. شاه در چهارچوب با استراتژی آسیائی نیکسون نقش ژاندار امپریالیسم در خلیج و منطقه را عهده دار شده بود. ده ها هزار تن از افراد ارتش ایران (از نیروهای هواپیما، دریایی و زمینی) به عمان (ظفار) گسیل شدند تا در قتل و کشتار و بیماریان خلقی برادر، ستم مهم را ایفا کنند و گردند. ارتش شاه ابتدا مخپخانه و بی سرودا و بعد ها که قضیه افشا شد با گورن و گردنکنش های دیوانه وار نه تنها به اشغال جزایر سه گانه، تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، پرداخت بلکه در آنسوی خلیج نیز پیاده کرد و هندست بسا دیگر عمل امپریالیسم به کشتار خلقی پرداخت که جز آزا دی خود از شر استعمار و عقب ماندگی و فقر و محرومیت، و چیزی دیگر نمیخواست. روستاهای بی پناه زحمکشان عمانی و زنان و کودکان آنها در زیر بمبهای نظامی ارتش شاه سوختند. کشتارها به آتش کشیده شد تا دامها و چهارپایان نیز بمباران شدند. ناپچه های ارتش شاه از راه دریایا پاکهای انقلابیون عمانی را بتوپ، مین بستند حتی روستاهای مرزی بمن دمکراتیک نیز در آمان نماند و خلق مبارزین نیز در این میان کشته ها داد. هواپیماهای ارتش تجارزگر شاه دادند تا انقلابیون عمانی رژیم مرزی بمن را که پشتیبان آنان است به تسلیم وادارند اما با مقاومت سرسختانه مبارزین عمانی یعنی به هدفهای خود نرسیدند. ارتش شاه از سال ۵۳ و بعد از حمله وسیع و وحشیانه پانز ۴۰ م هم از زمان سقوط رژیم شاه در عمان ماند و چه جنبشها که نکرد.

رشد روزافزون جنبش و اوج مبارزات مردم دروستان و شهر بتدریج خطر را برای استعمارگران و دست نشاندهگان آنها در منطقه جدی ساخت. بارها عناصر دشمن در درگیری با نیروهای انقلابی از پای درآمدند. بارها تأسیسات ارتش استعماری انگلیس که در آن زمان حضور مشخصی در خلیج داشت از طرف انقلابیون به توب بسته شد و فرودگاههای ارتشی زیر آتش بارزگهای انقلابیون خسارتهای فراوان دید. عا دلانه بودن اهداف انقلابیون و شرایط تحمل ناپذیر اقتصادی سیاسی و اجتماعی میرفت که آتش انقلاب را نه تنها در عمان بلکه در سراسر منطقه حیاتی و استراتژیک خلیج شعله ور سازد. انقلاب عمان حکم یک جانشی را داشت که انبار باروت منطقه را بخطر امپریالیسم و مرتجعین تهدید به انفجار میکرد. امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی و توکر آنها در منطقه، شاه سابق، به طرح یک کودتا ناپذیر و بسا ظاهری اصلاح طلبانه را در عمان میبختند. سعید بن تیمور از سلطنت خلع شد و قاپوس، سلطان فعلی عمان، که سالها در لندن آموزش دیده بود بجای نشست. ادامه آن عقب ماندگی اقتصادی اجتماعی دیگر به نفع امپریالیستها نبود. باید بر حسب نیازهای بازار و سرمایه گذاری امپریالیستی، عمان را از مرحله ماقبل سرمایه داری که در آن مزیت بتدریج به مرحله سرمایه داری (البته وابسته) وارد میکردند تا در چهارچوب مناسبات امپریالیستی جهانی میگذرد. کاری که در قیاس دیگری با هدفهای تقریباً مشابه ده سال پیش از آن در ایران کرده بودند (انقلاب سفید در آغاز سالهای

مبارزه رفاهتی بخش خلقهای ایران با مبارزات آزادخواه - هانه و عادلانه دیگر خلقهای منطقه، منجمه خلق عمان و دارای پیوندی ناگسستی است. سالهاست که همگی با دشمن واحدی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع محلی است در حال نبرد هستم و خلقهای ما در ایران و عمان از دست دشمنان مشترک خود شریات جانگانه را تحمل کرده اند و نیز شریات دردناک و تعیین کننده ای را بدانان وارد آورده اند. برجسته ترین نیروی انقلابی و رزینده ای که در آنسوی خلیج و در منتهی الیه جنوب شرقی شبه جزیره عربی و سالهاست که با امپریالیسم و ارتجاع میزبند خلق قهرمان عمان است. رهبری مبارزات دلبار و دلیرانه این خلق را جهبه خلق برای آزادی عمان عهده دارد. خلق زحمکش و مستعبد عمان که سالهای طولانی زیر ستم استعمار انگلیس و ارتجاع قرار داشت و انواع عقب - ماندگیهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بر او تحمیل شده بود، سرانجام در سال ۱۹۶۵ و پس از آنکه قیامهای بارگنده و خود بخودی او بارها سرکوب شده بود به آغاز مبارزه مسلحانه سازمان یافته هت گامت. نیروهای انقلابی عمان که مشاهده کرده بودند استعمار انگلیس هر بار توانسته است نطفه های مبارزه جوانان این خلق را در اوایل بروز و تجلی خود خنک کند، با استفاده از موقعیت مناسبی که در سالهای ۵۰ و در اوایل سالهای ۶۰ در جهان عرب وجود داشت و هم مبارزات ضد استعماری از الجزایر و مصر تا بمن را فرا گرفته بود، مبارزات خلق خویش را بشکل متکاملتری سازمان داده مبارزه مسلحانه را در نیمه ژوئن ۱۹۶۵ از کوههای ظفار (منطقه جنوبی عمان) آغاز کردند. اینک آغاز این عمل انقلابی بدست شاخه "جنبش ناپیوسته امپریالیستی عرب" که در اغلب کشورهای عربی در آن سالها بمنسوان گسترده ترین جنبش آزادیخواهانه عربی فعالیت داشت صورت گرفت. در ابتدا با دلیل گرایشهای تنگ نظرانه ای که در برخی از مبارزین اولیه وجود داشت "جهبه آزادی بخش ظفار" نامیده شد که سه سال بعد یعنی ۱۹۶۸ با توجه به پیشش عمیقتری که نسبت به مبارزه رفاهتی بخش در کل منطقه خلیج

چرا دولت موقت در مقابل جنایات شاه و در عمان سکوت میکند؟

اینکه اینهمه جنایات ارتش شاه از سوی چه نیروهای بطور مدام افشا و محکم شده و از سوی چه نیروهای بازهم مدام سکوت (رضایت آمیز؟) برگزار شده است احتیاج بتوضیح ندارد. انقلابیون ایران با مشارکت علی خود (هرچند سمبولیک) برادری خلقهای ایران و عمان را ثابت کردند و در آنجا شهید دادند و در نقطه مقابل، مرتجعین هنوز هم موضع گزیده شده شان را نفی نکرده اند. در آنراست که هم پس از سقوط شاه، پس از روی کار آمدن به اصطلاح دولت موقت انقلابی همچنان نسبت به مبارزه عادلانه این خلق قهرمان نه تنها بی اعتنائی میشود، بلکه اقدامات ضد انقلابی گذشته با چنین موضعگیریهائی مورد تایید قرار میگیرد. برای ورود و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روز زندانیان سیاسی را گرامی بداریم

نقشی که زندانیان در اداسفکاری انقلاب در پیروزی انقلاب عظیم خلق های ما ایفا کردند در تاریخ مین ما فراموش نشدنی است . این عزیزان زاین گردان میدان مبارز و پایدار این قهرمانان هرگز از جبهه مبارزات زجر دیگر نهراسیدند . و رفیقان بند را که بسوی جوشه های اصدام برده میشدند با لبهای را دادار و پیمانهای پولا دین مبنی بر ادامه راه ، بقدرت کردند . آنان برادران و رفیقان خویشان را دیدند که در زیر شکنجه جلادان در سکوحت جان می سپردند اما در اراده شان تزلزل پیش نیامد . آنان گهگاه آیه های یاس ، فریبا و وارفتگیها و خیانتها را از طرف برخی سست عنصران هم میدیدند ولی باز هرگز در اصالت راه خود در مبارزه بی امان علیه رژیم در سختیت پیروزی نهایی خلق اندکی شگ را نداشتند . ارزش اینان برای همیشه در دل توده ها زنده و جاوداست . یاد مقاومتی که این قهرمانان در برابر رژیم وابسته با میرالیم شاه در برابر دشمنیهای ارتجاع و در راه پیروزی انقلاب از خود نشان دادند همواره گرامی است یاد خسرو رزبه ها ، صفر قهرمانیها ، آیت الله سعیدها ، بدیع زادگانها ، همایون کبیرا ها ، محمد رضا آخوندی ها ، جمشید یورد پاری ها و خسرو گسرخا ها و ... برای همیشه بر تارک اختراعات خلق های مبارز ما در سالهای اخیر میدرخشد . انقلاب خلق درهای زندانها را شکست و عزیزان را به آفتاب ملت بازگرداند اما مایه تأسف است که درهای زندان باز از گزند دیگر کتوبه شده و بد ها تن از مبارزین راه شده دیگران را که برایشان وابستگی به چریکها ی فدائی خلق است در حصار زنجیر نگه دارد . توده های پیروزی واقعا چسرا ؟ توده ها به اینکه اقدامات که بنام قدس انقلاب صورت میگیرد دشدیدا اعتراض دارند و آنرا حکم می کنند . روزی که حتی یک نفر از مبارزان دمکرات و فدائیمیرالیم دچار خفقان و زندان باشد آنروز دشمن خلق و خدا انقلاب شاد است بسرای آنکه روزگار سیاه گدشته مبارز نشود . برای آنکه دیگر زندانیان سیاسی نداشته باشیم به مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیسم و ضد ارتجاعی خود را پیروزی نهایی ادامه دهیم .

۲۱ اردیبهشت روز زندانیان سیاسی است . روزی بنام آن دلبران نستوه که در سیاهچالهای زندان نیز دست از مبارزه نکشیدند . روزی بنام آنان که در زندانهای تارک و نسور با مقاومت و ایمان و امید خود به سوی روشنی تقب زدند و صبح آزادی را در دل خویشان نقش بستند که در آن نشنیدند درهای زندان کوچکشان شکسته شو د بلکه زندان بزرگی که ملت در آن اسیر است شهیدم کرد و در یک کلام ۲۱ اردیبهشت روزی است بنام خسرو رزبه فرزند گرامی خلق که سبل عنم آهنیستند یگان برای گسستن زنجیرهای ستم و نمونه مقاومت و صلاحست زحمتکشان در برابر دشمنان طبقاتیشان بود . رژیم دست نشانده ، پهلوی طی سالها حکومت نتگین خود میبنداشت که با اسارت مبارزان راه را بر امید و مقاومت انسان می بندد که آنها را تسلیم میکند و می پوساند اما همه این پندارها و رویا ها نقش بر آب است که این حکم تاریخ بود . زندانیان با فریاد خشم خود به رژیم شاه آزادی که خارج از حصار مبارزه میگردند توان و روح می بخشیدند . زندانیان در این سالهای سیاه خود به پرچی که خلق آنرا چون سندی بر حکومت رژیم در برابر او بر میافراشت تبدیل شده بودند . رژیم میخواست که زندان گورستان اندیشه ها و مبارزان دلیر باشد اما بسره مدرسه انقلاب تبدیل شد و در آن نولها آیدیه گنت .

زندانیان سیاسی ایران مقامی پس از چرخند در تاریخ مبارزاتی خلق های دلاور ما دارا هستند . آنان با ایمان و امید و پایداری خود بارها حتی جلادان دروغ را به حیرت واداشتند . شکنجه های جسمی و روحی ، توهین ها و جنگ اعصابها در عزم جنم مبارزه این دلبران کارگر نبود . در زندان آنجا که همه عوامل محیط زندانها را به خاموشی و مرگ تهدید میکردند بیشترین وعالیتین تلاش برای دست یافتن به نور و زندگی ، برای خود سازی و آمادگی هر چه بیشتر برای ادامه نبرد به چشم میخورد . هر زندانی مبارز و مقام خود مشعلی بود که اندیشه مبارزه را حد اقل در خانه خویشان و دوستان زنده نگه میداشت .

گردم آئی انجمنهای باصطلاح اسلامی از مالزی و اندونزی و ... که واقعا معلم نیست سرشان کجا بند است و دارای روابط نزدیک با کاسنی مثل شاه سعودی هستند . جقدر گرد و خاک و صاحبانه رادپولتونی راه میافتد ، اما عقب نشینی اجباری ارتش ایران از عمان طی یک شبانه چند خطی آنهم برای خالی نبودن عریضه با اطلاع مردم میرسد ، و از آنهمه فنجایی که طی چند سال بنام ایران عملی شده است ، حتی پیروزی هم از خلق عمان خواسته نشود و از کسانیکه عامل این جنایتها بود مانند ، مواخذة و محاکمات بعمل نیامد پیروند . آن جنایتها انشانیشود . حتی شیده شده است که شخصی به نام سرتیپ آذری که در سال ۵۲ سرهنگ بوده و یکی از فرماندهان هان ارتش در قتل اردو بوده است ، هم اکنون یکی از فرماندهان انقلابی پادگان خم آباد است . آیدا باید نتیجه گرفت که آن جنایتها که علیه خلق ستم دید و برادرانجام شده مورد تایید است ؟



و یا مثال دیگر: برای ما زبانی مثل "آمل" که در لبنان و در طول جنگ داخلی چند ساله آن ، به شهادت هر کسی که از لبنان چیزی میداند ، اصلا بحساب نیاید ، و موضوعی آن بنوع تجاوز و سوریه به لبنان و سرکوب مقاومت فلسطین (در ۱۳۵۵) معسوف خاص و عام است ، و بدلالی که نامعلم نیست ، هر روز سرودها و تبلیغات سرپا واقعا دروغ و بیحاشنه و نظا هرات صورت میگرد ، اما یاد من انقلاب سلحانه تودمای منطقه خاورمیستانه (پس از فلسطین) ، یعنی انقلاب سلحانه خلق عمان اینقدر با بی توجهی برخوردار میکنند . آیا این است خواست توده های خلق ما ؟ توده های خلق و نیروهای انقلابی آن کماز باشد ای امر دخالت تجاوزگران ارتش شاه در عمان (ظفار) را محکوم نمودند ، و خود را با انقلاب و انقلابیون این خلق زحمتکش و قهرمان دارای پیوندی ارگانیک مید اند ، از خود میبرسند و واقعا چرا ؟ چرا موضع دولت پس از انقلاب در رابطه با خلیج تغییر چندان با مواضع رژیم پیش از انقلاب ندارد ؟

توطئه شوم تقسیم فلسطین از سوی امپریالیست ها و صهیونیستها را محکوم کنیم!

هم میهنان مبارز! ۲۵ اردیبهشت (۱۵ ماه مه) معاد فای سی و یکمین سالگرد تقسیم فلسطین است . در این روز در سال ۱۹۴۸ توطئه امپریالیستی شومی که علیه خلق قهرمان فلسطین ، بوسیله استعمارگران انگلیسی از سال ۱۹۱۷ خدارک دیده شده بود ، بمرحله اجرا درآمد . امپریالیسم خونخوار جهانی که برای حفظ منافع غارتگرانه خود با بگاهی وادراین منطقه جنتوجیمکرد ، سرانجام با همدستی صهیونیستهای نژادپرست و ارتجاع محلی ، زخم جانکاه را در قلب سرزمین عرب بیداده و در سهای تجا و ز غصب سرزمین ملی خلق فلسطین و کشتار و راه کردن صدها هزار تن از مردم آن ، دولت غاصب و تجاوزگر و توسعه طلب اسرائیل را بیدید آورد . بدین مناسبت و بمنظور محکوم کردن توطئه های امپریالیسم جهانی که امروز سیزده فلسطین و دیگر کشورها منطقه از جمله ایران ، همچنان ادامه دارد ، و بمنظور ابراز همبستگی برادرانه خود با خلق قهرمان فلسطین و دیگر خلقهای عرب ، از کلبه کارگران ، زحمتکشان ، نیروهای انقلابی ، دمکرات و مترقی ، دعوت میکنم که در ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ، در زمین چمن دانشگاه تهران اجتماع کرده و در راهیمنامی سمت دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین (خیا بان فلسطین شمالی) شرکت نمایند . کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر - گروه نیرو برای راهای طبقه کارگر - کمیته نبرد - بیوند . اتحادیه کمونیستهای ایران (بخش داخل) - اتحادیه کمونیستهای ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - روزندگان آزادی طبقه کارگر - سازمان پیکار و راه آزادی طبقه کارگر

جلود رفت ...

دولتهای ارتجاعی و فاشیستی چون عراق در مراجع عریسی ، جنبش ایران را یک جنبش واپسگرا و ارتجاعی معرفی میکنند و سر علیه شخصیت الله خمینی بیسار تبلیغ میگرد ، بفرجه در اداع ، از انقلاب ایران بسود . بنابراین ، دولت لیبی (نیز خلق ایران) انتظار داشت که نماند گانش با آفوش باز و استقبال گرم مقامات ایرانی روبرو شود ، لکن همانطور که دیدیم چنین نشد . اما مهم این نیست که چسرا ایران با لیبی رابطه سیاسی برقرار کرد ، بلکه مهم اینست که عملکرد دولت در زمینه روابط خارجی فقط ، به برخورد اینگونه بسا لیبی منحصر نشود . نیروهای آگاه و مبارز و وارکنس که در لبر گروه عشق صیبن و توده های زحمتکش دارند نمیتوانند روابط گسوم و دوستانه دولت ایران را با دولتهای ارتجاعی نظیر پاکستان و نروش خطرناکی را در مقابله با امپریالیسم و پیوزه امپریالیسم آمریکا وعدم لغو قراردادهای خانمان براندازو خائنهان با آنان ... راز یکسود عدم استقبال از برقراری رابطه با دولتهای شرقی که ایران با آنها رابطه ندارد وعدم گوشه ر استحکام روابط خود با دولتهای شرقی خواه وعدم پشتیبانی مادی و معنوی مورد نظر توده های خلق نسبت به جنبشهای آزادیبخش ... راز بسوی دیگر مشاهده کد و بر سر زنجیر کشتور ، ایران ، بیضاک نمود!

هیئت لیبیایی بریاست سرگرد عبدالسلام جلود (مرد شماره ۲ لیبی) سرانجام در روز ۱۶ اردیبهشت ، بدون اخذ نتیجه از سفر طولانی خود بایران ، همان کشتور شد . او موفق نشد باب روابط سیاسی لیبی و ایران را بشکاید . با توجه به مواضع ضد امپریالیستی لیبی و حمایتش از خلق ایران ، زمینه برقراری مناسبات نزدیک و برادرانه بین دو کشور کاملاً مهیا بود . ولی ایران ، نظا ظاهرا بخاطر مساله کم شدن موسی صدر و انتباهاتیکه در این باره به لیبی زده میشود ، باوری تریش و ابروین درهم از - او " استقبال کرد " . در حالیکه هیئت لیبیایی شایستگی آنسرا داشت که بگری و برادرانه از او استقبال شود . دولت لیبی از جمله دولت های بسیار معدودی بودا مانند جمهوری دمکراتیک خلق یمن (که از مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران در مقابله رژیمم سفاک شاه ، از دریاوزه دفاع کرده بود . و در سطح داخلی و در بینه جماع عریسی و بین المللی با انتخان مواضع انقلابی بیاری خلق ایران شتاتند بود . لیبی ، آنداکه -

انقلاب عمان که در سال ۵۴ در نتیجه تهاجم وحشیانه ضد انقلاب از منطقه ظفار عقب نشینی کرد ، برای مقابله با عسوا رض سوا ناشی از این ضریات ، هم در زمینه شکستهای و جدد رژیمه اجتماعی و تودمای ، برنامه ، خود سازی مرحامهای راند بین نمود ، و فعالیت خود را نهر شمار ؛ " برای بازسازی مجدد خود از لحاظ فکری و سیاسی و نظامی و ادامه جنگ انقلابی ، همواره یکسود . آنگاز کسرد . در باره این دوره ، بازسازی که برای خود تجارب وره نمود - های گرانبهای داشت ، و نیز مواضع فملی جنبه خلق برای آزادی عمان ، در شماره " آینده ، ترجمه ، لصاحیای را که مجلسه الهدف و ارگان جنبه خلق برای آزادی فلسطین ، با دسسر کل جنبه عمان ترتیب داده ، خواهیم آورد . همچنین در نرضتهای دیگر ، دستاوردهای انقلاب عمان را در زمینه های سیاسی و اجتماعی ، حقوق زنان ، آموزش و بهداشت و ... بسه اللع و خلقهای قهرمان خودمان خواهیم رساند .

سنگی که روی یونیستها بلند می کنند روی پای خودشان خواهد افتاد

چندی پیش نشریه "مردم" ارگان روبرویونستهای حزب توده، در شماره چهارم خود بلاخره سیاست فرصت طلبانه، خویش را درقبال دولت و قدرت سیاسی حاکم سیاست توطئه گرانه، خود را درقبال جنبش کمونیستی ایران ننموده و درهم آمیخته خبری جعلی در میان انبوهی از شایعات و جهت تبلیغاتی که آنگاه سه سوی همان دستگاه بین المللی که الهام بخش سیاست بازاری چون رهبران حزب توده است انتشار یافته، در کمال وفات مورد بهره برداری آنها قرار میگردد. اتهام بلندی که سازمانها و گروهها و تمام کسانی که با مرزبندی با روبرویونستیم و سازش طبقاتی، جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را محتوای فعالیت انقلاب - بسی خود قرار داده اند، هدف معینی را از سوی گردانندگان نشریه "مردم" دنبال میکنند. رهبری ۲۸ ساله این حزب با اختراع واژه "مردم" و "ما کوشیم" و تخطئه مبارزات فد روبرویونستی که از سوی انقلابیون بزرگ مارکسیست - لنینیست و از جمله ما توتسه دون پیگیری شده است میکوشند تا با استفاده از اغیابار جعلی سازمانهای جاسوسی که درمراجم متکوکی چون "الکفاح العربی" انتشار میابد، لبه تیز حجت فد کوم - نیستی را تیزتر نماید.

تفسیر فرصت طلبانه ای که گردانندگان نشریه "مردم" از اظهار نظرهای شخصیتی با نفوذ و با اعتباری چون آیت الله قاضی مینماید در واقع تائیدی است مجدد بر این واقعیت که این مومسه این الوت فاقسد هرگونه اصول و مایه مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک میباشد.

کمونیستهای ایران با مرزبندی روشن و قاطع با روبرویونستیم معا روبا حرکت و تکیه برمنافع دراز مدت انقلاب توده های مردم نشان داده اند که با دستجات دنیا لورو سردمداران وابسته ای چون رهبری حزب توده تفاوت کلمی و ماهی دارند. اتهام و استیغره کاری با سازمانهای جاسوسی زبند آنگاشی است که با پشت نمودن به انقلاب و فعالیتهای انقلابی در شرایط سخت رژیم ترور و اغتصابا لینا روبرویونستهای بین المللی درسطاعت و سرپرستی آموختند. کارنامه افرادی چون کبانوری و بندولدار او "دربین میان از همه سیاه تر است. کمونیستها که نشریه "مردم" تحت عنوان اختراعی "ما کوشیم" از آنها نام میبرد همان گونه که مدتهاست سیاست تاجا وزکارانه شوروی امپریالیستی را محکوم نموده اند سیاستهای نوین روبرویون - نیستی هرکشور دیگری از جمله چین را محکوم نموده و کماکان برعلیه سازشکاری طبقاتی درسطح بیسن - المللی و محدود نمودن انقلاب ایران مقاومت مینمایند.

آیا گردانندگان مغرض حزب توده نیز شهادت چنین کاری را دارند؟ پاسخ سالیهاست که در تاریخ ثبت شده است. از تائید باصطلاح "اطلاعات" شاه گرفته تا تائید فروش اسلحه روسی به رژیم ترور و اغتصاب، و از کتوت در مقابل نفوذ ساواک در تشکیلات خود این حزب گرفته تا دعوت از عناصر امپریالیست "واقع بین" هات حاکم در یک جبهه واحد باصطلاح "فدیکتاتور" و از تخطئه قیام ۱۵ خرداد گرفته تا قیام اسفند ماه ۵۸ خنریز ... پاسخ منفی است. اما این تنها مانعیمتیم که تفاوت نهائی را خواهیم کرد، اسفند توده های مردم و در راس آنها طبقه کارگر است که پاسخ نهائی را خواهند داد. تفسیرهای فرصت طلبانه از گفتارهای شخصیتها و سوء استفاده از مریانات فد کارگری و فد کمونیستی در برانگشتن هرچه بیشتر اتهام علیه کمونیستها به هیزم بسیاران آتش نفاق و شکاف در جنبش دمکراتیک و فد امپریالیستی کسک چندانیش نخواهد کرد.

ما سن محکوم کردن اتهام واهی و مغرغانه گردانندگان نشریه سراپا تحریف "مردم" که به نیرو - های مارکسیست - لنینیست و از جمله "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" وارد شده است بیست کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات و طرفی خواه در مقابل توطئه های که در سن چنین اتهامات و فرصت طلبی های چاپلوسانه نسبت به شخصیتها مختلف نهفته است هشدار میدهم و آنها را کوششهای مذبحخانه ای منتظور ایجاد زمینه نفوذ و جای پای برای اربابان نشان میدادیم.

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

- مبارزان راه طبقه کارگر - مبارزین آزادی خلق ایران - کارگران مبارز - اتحاد جماهیر آزادی در راه آزادی طبقه کارگر - گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر - کمیته نبرد - بیوند - اتحادیه کمونیستهای ایران (بخش داخل) - اتحادیه کمونیستهای ایران - مبارزین آزادی طبقه کارگر - روزندگان آزادی طبقه کارگر - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸ / ۲ / ۱۲

حتی يك نام...!؟

"شورای نامگذاری، غیابان میگردد، به غیابان دهکده تغییر نام داد... آتندگان ۲۰ اردیبهشت"

انحمار طلب مرزی نمی شناسد. انحمار طلب از آنجا که گوته بین نیز هست، جز خودش چشم دیدن هیچکس را ندارد. همه و هر چیز را تشبیه نام و به کام خود میخواهد. انحمار طلب منطق سرش خمینود و از عقل بدور است و دریک کلام کور. انحمار طلب میکوشد علق سیری نا پذیرش را در شما می عرضه ها جاری کند. انحمار طلب در عین حال ترسو هم هست و از هر آنچه شائنی از او ندارد و خشت دارد. و چنین است که "غیابان میگردد" که "غیابان فدائی" است، "غیابان دهکده" میشود. چرا که حتی نام فدائی بر ذهن کورش سنگینی دارد. اگر چه به دیوار غیابان کوچک می باشد.



گرامی باد خاطره رشید
مصطفی آفریده
(موسی)

روز ۲۲ اردیبهشت ماه معادفات با ما لروزشها در رفیق شهید منطقی، خاطره این رفیق را که در سیاهترین روزهای دیکتاتوری سمنه، شاه با در راه انقلاب خلق نهاد، و سخن با کتس نهال انقلاب دمکراتیک و فد امپریالیستی خلقهای ما را آتباری کرد، گرامی میداریم.

رفیق فارغ التحصیل انستیتو نقشه برداری شیریزبود، او فعالیت مبارزاتی خود را در شکل تشکیلاتی از سازمان معاهدین خلق ایران آغاز کرد. رفیق در آغاز بصورت سبای - نیزان سازمان از هرگونه کمک مالی و دیگر امکانات لازم بیخ نمیکرد. پس از مدتی فعالیت، رفیق بصورت کار در حرفه ای فعالیت مبارزاتی خود را ادامه داد، و بدین ترتیب تمام توان خود را در خدمت خلق گذاشت و بطور روز مراه با در د رنج کارگران آشنا میشد و در جهت شکل و آگاهی دادن به کارگران تلاش میکرد. او با مهربانی و مصمیمت خامی که داشت دوستان بسیاری در میان کارگران پیدا کرده بود که علاقه وافری بوی داشتند.

رفیق در روز ۲۲ اردیبهشت ماه ۵۶ در برغورد غیابانی با عناصر مزدور اکتبهای کمیته (با اصطلاح فخر اکتبکاری) دستگیر شد. رفیق هنگام دستگیری مسلح نبود و با احتمال زیاد در زیر شکنجه دشمن شهید شده است. "یاد همه" شهیدان راه آزادی و استقلال میهن سان گرامی باد"

گرامی باد خاطره شهید امی دانشگاه تیز

بسیار سیت بزرگداشت لاروز شهادت دو نسر از دانشجویان دانشگاه شیریز، رفقای شهید، داود میرزائی و محمد فلاسی که در جریان انقلاب دمکراتیک و فد امپریالیستی خلقهای ما در روز ۱۸ اردیبهشت ماه سال ۵۸ به شهادت رسیدند مراسم از طرف دانشجویان در محوطه دانشگاه برگزار شد. در این مراسم گروه زیادی از مردم مبارز شیریز شرکت داشتند. ما خاطره این شهدا را که خون سرغشان نهال انقلاب را آتباری کرد، گرامی میداریم.

امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران

"امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران محسوب میشود" این سخن آیت الله عینی است در معاهدت شان باروز نامه لوموند. تاکید مجدد ایشان بر مبارزه با امپریالیسم آمریکا بمشابه "بزرگترین خطر" که ایران را تهدید میکند وهشدارشان به مردم داخل برنمخرف نشن از مبارزه خدا امپریالیستی، افشاگر کسانی است که آگاهانه و غاششانه میکوشند جهت خدا امپریالیستی مبارزه خلق ما را منحرف کنند و خود و اربابان شان را از این انحراف و هرز روی نیروها بهره ببرند (اینکه دشمن اساسی خلق های ما امپریالیسم جها خنوار آمریکاست مومومی است که همه روزه از طرف نیروهای انقلابی و راستین مورد تاکید و با فشاری قرار میگردد). و سلطگان، مزدوران امیر - با لیمس و بس مانده های ساواک و رژیم سابق باید بدانند

به یاد حمله میگردد. منبعت از همین شناخت عینی است و بهمن جهت هم خلق ایران و نمایندگان واقعیت هرگز از امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها انتظار ندارند که سر لکلت آمده، و برای بهبود روابط ایران قدم پیش گذارند، انطور که آقای بزدی آرزو دارد و ابراز میکند. او میگوید: "دولت آمریکا است که باید در جهت بهبود روابط بین ایران و آمریکا قدم اول را بردارد و تفسیر سیاست دهد". آقای بزدی، مگر جز اینست که سیاست امپریالیستی به هر کتلی که در آید، بهره حال یک سیاست امپریالیستی و تاجا وزگرنه است؟ پس شما چه انتظار از امپریالیسم آمریکا دادر بر تفسیر سیاست آن دارید؟ (تفسیر سیاسی که سادات آدمی سالیها بدینا لث بود و سرانجام دیدیم که بکا کشید) و اما اینکه شما انتظار دارید که امپریالیسم آمریکا "قدم اول" را بردارد، بهیچ رو با اقدامات عملی شما نمی خواند. و انطور که همه تا کنون شاهد بوده اند، ایسن وزارت امور خارجه ایران (که اکنون شما در آن سهند) بوده است که نه "قدم اول" بلکه قدمهای بسیاری را بسوی آمریکا برداشته است. قدمهای که هر کدام خرابت جبران نا پذیری به شما می خلقهای مبارز و رنج دیده ایران وارد میازد. قدمهایی چون لغو نکردن قرارداد های اسارت بار بین ایران و آمریکا، قدمهایی چن عدم افشای اسرار جاسوسی جنا بیکاران آمریکاستی که ایران نا پذیری به شما می خلقهای مبارز و رنج دیده قدمهای چون افشا نکردن اسناد رشوه خواری اعطای کتگوه آمریکا و اسناد رسواگر دیگری که در سفارت ایران د و آمریکا دست آمده و...

که توده های مبارز خلق ما، تسلیم توطئه های روزافزون و کورنا کون آنان نخواهند شد، و تا کورسیردن آنها نطق نفوذ اربابان امپریالیستشان مبارزه بیرحمانه و فاطما - نه خود را بر علیه هرگونه ستم و ایدئولوژی ادامه خواهند داد.

نقد ایران، امپریالیسم آمریکا و دکتر بزدر

آقای دکتر بزدر، وزیر امور خارجه دولت موقت، در معاصه ای با خبرنگار مجله آمریکائی تائم گفته است: "جنبش خدا امپریالیستی که فعلا در تهران بیخ میخورداد، بسیاری جهت و عمدتاً ناشی از روابط صحنه و نزدیکی است که واشنگتن با اسرائیل دارد". اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که اولاً: جنبش خدا امپریالیسم آمریکا (با بقول آقای بزدری جنبش خدا امپریالیستی) تمام کتور ایران را در بر میگردد و منحصر به تهران نمیشود. ثانیاً مبارزه خلق ما بر علیه امپریالیسم آمریکا نه صرفاً بخاطر همدردی و سرنوشت مشترکتان با خلق قهرمان فلسطین و در مقابله با مهبود - نسیم میباشد، بلکه از آن روست که توده های خلق در شام زمینه های زندگی خنور شوم و بازدارنده امپریالیسم و خصوما امپریالیسم آمریکا را لمس میکنند و ففسرو عقب ماندگی خود را بدردستی در نفوذ آن در تمام شتون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود می بینند. و بهمن دلیل هم کمر هفتگی نیروی رانند امپریالیسم از ایران بسته اند (سرتگونی رژیم شاه غاشن اولیس - قدم بود) و اگر هم به همدردی و حمایت از خلق قهرمان فلسطین می شناید و مهبونیم و حامیان امپریالیست را